









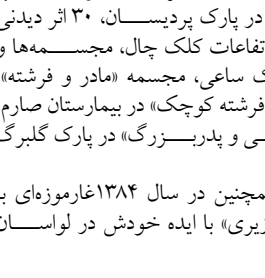
## کوتاه آموزشی

## دست‌رسی دانشگاه‌ها به پایگاه‌های علمی

همچنین رئیس صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم در نشست فرسودگی ساختمانهای دانشگاههای بزرگ کشور با بیان اینکه فرسودگی این ساختمانها برآمده از بودجه مورد حمایت قرار گرفته. ناصر طریقی رئیس صندوق رفاه دانشجویان و وزارت علوم در گفتگو با فارس با اشاره به اینکه بودن فرسودگی دانشگاههای بزرگ کشور گفت: یکی از گرانگهائی که وجود دارد مربوط به فرسودگی دانشگاههای بزرگ و قدیمی در کشور است. دانشگاه صنعتی امیرکبیر، شهید بهشتی و تهران است که باید در این رابطه سازمان برنامه و بودجه در قالب برنامه ملی مدت زمان مفاد سازش بازاری آنها اقدام کند. و اما وعده داد: رومانی دانشگاههایی که با مشکل فرسودگی روبرو هستند باید از سازمان برنامه و بودجه کمک بگیرند و در صورت نیاز طرح جایگزینی ساختمانهای خود را تهیه کنند چرا که باید این موضوع با استفاده از صورتیات مجلس، مجوز ساختن و به روزنه آن تصویب شده و دانشگاهها نوساز جایگاههای فرسوده را احداث کنند.

وی اضافه کرد: با توجه به تغییرات اقتصادی سال ۹۸ نسبت به سال ۹۷ و افزایش مشکلات مالی سعی کرده ایم عدد بودجه صندوق رفاه کاهش پیدا کند اما طرفی مسائل تغییرات بازار ارز تاثیر بسزایی در فعالیتها ما دارد در این فعالیتها اقتصادی بیشتر شود قیمتها معقول خواهد شد و دولت درآمدش بیشتر می شود.

## ایران شناس فرانسوی عضو افتخاری فرهنگستان زبان و ادب فارسی شد



نما، «دایاناس»  
و برجسته  
آبشار ۲۷ متری  
«دختر و پسر»  
مجسمه «کا»  
اشاره کرد.  
این هنرمند  
عنوان «غار موزه»  
بنا کرد.

پیکر مرحوم ناصر هوش  
مقابل خانه هنرمندان ایران تشییع و  
سپرده می‌شود.  
به گزارش مهر، پیکر ناصر هو  
شم تیرماه بر اثر ایست قلبی در گذ  
روز از مقابل خانه هنرمندان ایران  
خالق مجسمه‌های سنگی است که  
تهران به نمایش گذاشته شده‌اند.  
از دیگر آثار وی که در ش  
مایش گذاشته شده است می‌تو

نقد و بررسی کتاب «حق حیوان، خطای انسان: در آمدی به فلسفه اخلاق»

ارادشیر منصوری، دیگر سخنران این جلسه گفت: بهره‌کشی انسان از حیوانات جوجه اولیای ما را دارد؛ اما سازمان محیط زیست سازمان ورزشی دو، دولت، در حوزه اقتصاد و گردشگری، سرمایه‌های زیادی (مادیات) شنیده که این به معنای کم در تقاطعی از ایران، اما جمله در فاصله بین گرگان خوار، دریا، بوم‌پرورد، پستانداران پرورشی می باشد تا توریستی را در این منطقه و شود و از شکار این حیوانات لذت ببرد. تمام محصولات آرایشی و آرایشی که، برای این اینکه برای مصرف انسانی و دارو بازار شوند، ریز حیوانات می‌شوند. وضعیت اکسرها (و ارواحها هم به همین صورت است) به صورت تیرین شکار بهوشی ما که حیوانات در صنعت غذایی است، در دست می‌فرارند، که حیوانات تیر را به دلیل آنکه گوشتش لذیذ ندارند، چرخ می‌کنند و به عنوان غذا به جوجهای ماده می‌دهند.

از افروز، توجه به حیوانات حتما نباید کمک افرازی و ردیالک داشته باشند. اما سلب کمک‌های تقدیمی یا از طریق طبیعت شناسی مختلفی باشد: ما خام گیاهخواری و گیاهخواری یک‌جایگاه داریم. می توان به عنوان یک گیاهی، افروزمه‌های کمی و تخم مرغ را اضافه کرد. حتی می توانیم از گوشت حیواناتی استفاده کرد که کمتر در می کشند (مثل زبیران) و از گوشت‌های افروزمه‌های افرازی لذت می‌گیریم. ما سبکی از رژیم غذایی است. اگر یک گیاهان جالبست نسبت به این موضوع شناس شوند، این افرازمه را هم به عنوان کمک می‌کنند از رنج حیوانات بکاهیم.

## بلیت نیم‌بهای سینما فقط سه‌شنبه‌ها

فروش بلیت نیمه‌بها سی‌سینما فقط سه‌شنبه‌ها صورت می‌گیرد. غلامرضا نجفی در گفت‌وگو با اسپاسا درباره مصوبات جلسه یکشنبه ۹ تیرماه شورای صنفی در نمایش بیان کرد: در پی تحلف بعضی از سینماها در ارائه بلیت نیمه‌بها در ۶ هفته و اعتراض شورا به‌علی تهیه‌کنندگان، شورای صنفی مقرر کرد برای بها فقط بر اساس دستورالعمل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اقدام شود و فروش بلیت نیمه‌بها غیر از روز سه‌شنبه تحلف محسوب می‌شود.

در نظر دارم و نکته، وجود سر، مورد، چهره، دود، راز، سایه‌ها، محفل، در، طریق، مقاصه، عهده، خریداری، در، نماید.

مقاصه‌ای می‌توانند جهت اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۱-۴۳۳۳۳۳۳۳، از ساعت ۱۰-۱۲، تماس حاصل فرمایند و دانستارک نظر خدمت را از طریق اینترنت از [www.iran-transfo.com](http://www.iran-transfo.com) و با اعلام نامبند خود به همراه معرفی نامه جهت اخذ مدارک و ارائه پاسخ کار نامبند.

شرایک ایران ترانسفو در رد قابل پیشنهادی ارائه شده مستخر. هزینه چاپ آگهی به عهده پرتابنده مقاصه می‌باشد.

آدرس: تهران، کیلومتر ۱۰ جاده تهران - کارخانه‌های ایران ترانسفو

شرایک ایران ترانسفو (درخواست اخذ)

**سرمایه تیرم ندهد ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال**

بدینوسیله به اطلاع سهامداران محترم شرکت می‌رساند، جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه این شرکت را ساعت ۸:۳۰ روز چهارشنبه ۲۰۲۰/۰۴/۲۹ با محل برگزاری - خیابان ولیعصر - در آلاچیق میدان کج و سربالایی پاسخی - شرکت ابرار تخصصی تور، ترانس و اتوباز - برگزار می‌گردد. خواهشمند است، با حضور در جلسه مذکور جهت تصویب عمل می‌آید که خود و یا نماینده رسمی آنان در موقع حضور در جلسه یاد شده حضور یابند.

**مدیرعامل:**

۱- استماع گزارشات مدیره و صورت وضعیت موضوع ماده ۲۲۲ اصلاحیه قانون تجارت مربوط به عملکرد سال ۱۳۹۷.

۲- استماع گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد صورت‌های مالی منتهی به ۱۳۹۷/۰۳/۲۹ و اتخاذ تصمیم در خصوص تصویب صورت‌های مالی مذکور.

۳- استماع حسابرس و بازرس قانونی برای سال مالی ۱۳۹۸

۴- استماع روزنامه گزینش لاتراست

**هیأت مدیره شرکت توزیع نیروی برق استان مازندران**

**آگهی تشکیل مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام  
شرکت پالایش نفت اصفهان (سهامی عام)  
به شماره ثبت ۴۰۸۵۵  
برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۷ اسفند ۱۳۹۷**

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم شرکت پالایش نفت  
اصفهان (سهامی عام) می‌رساند، جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه،  
ساعت ۹:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۶، به نشانی  
اصفهان، بزرگراه آزادگان، یک کیلومتر جاده تهران، سالن آمفی تئاتر  
باشگاه شهرک شهید دستغیب منتظر می‌گردد.

**آگهی مناقصه عمومی یک مرد حله‌ای شماره ۹۸/۰۱۰**

**موضوع آگهی:**

تأمین نیروی انسانی مورد نیاز طبخ و توزیع غذا

در دستور کارهای پالایشگاه و شهرک کمروراید

آخرین مهلت اعلام آگهی و ارسال رزومه پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۳۹۸/۴/۲۲ برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت [WWW.BAORCO.IR](http://WWW.BAORCO.IR) و یا خبرگزاری شانا [WWW.TENDER@NIORDC.IR](http://WWW.TENDER@NIORDC.IR) و [www.shana.ir](http://www.shana.ir)

مراجعه نمایند.

**روابط عمومی**

نمایر خانه دبیرستان دوره اول پوربستان واقع در کوچه فتن، پشت مسجد بساول، جنب دبیرستان خردگو بر گزار می شود از آنجا کلمه دعوت می شود در جلسه حاضر شوند.

**دستور جلسه:** تصویب تعدید مدت فعالیت شرکت تعاونی

**هیئت مدیره شرکت**

**شرکت نفت و گاز نوگام (سهامی خاص)**

**در حال تصفیه** در نظر دارد بر خسی از اثاثه و منصوبات اداری خود را از طریق مزایده، به صورت یکجا به فروش برسانند. علاقمندان می توانند جهت بازدید در تاریخ

[illegible][illegible]

- ۱- انتخاب تصمیم‌سبب در تصمیم‌موند
- ۲- انتخاب حساسیت و بازرس شرکت برای سال مالی ۱۳۹۸
- ۳- تعیین روزنامه‌های کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های رسمی شرکت
- ۴- سایر مواردی که تصمیم‌گیری در مورد آن در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد
- ۵- وفق ماده ۹۹ قانون تجارت، کلیه سهامداران محترم، وکیل و نماینده قانونی ایشان می‌توانند از ساعت ۸:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۶، ارائه کارت شناسایی معتبر و در صورت نیاز وکالت‌نامه و با معرفی نامه رسمی، برگ ورود به جلسه مجمع را در محل مجمع دریافت نمایند.

**هیدرپه**  
**شرکت بالایش: نفت اصفهان (اِسپام) عام**

**شماره شانزدهم** ۱۳۸۰ / ۶۲۴۷  
**ویرایش نهمین شماره**

دبئی نویسیله به اطلاع کلی سهامداران محترم شرکت می‌رساند، جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه این شرکت راس ساعت ۸:۳۰ روز سه شنبه مورخ ۹۵/ ۴/ ۱۳۹۸ در محل شرکت توئیز ایر آدرس:

تهران - خیابان ولیعصر - بالاتر از میدان وکف - خیابان رشید یاسمی -  
شرکت مدام تخصصی توئیز ایر- سالن کنفرانس دفتر مدیریت عمومی  
وزارت مالی تشکیل خواهد شد. لذااز سهامداران محترم دعوت به عمل می‌آید که خود یا نماینده رسمی آنان در موعد مقرر در جلسه یاد شده حاضر باشند.

**دستور جلسه :**

## مدیر تصفیه

### شرکت ساختمان و خدمات نوساز (سهامی خاص)

#### در حال تصفیه در نظر دارد برخی از اثاثه و منصوبات اداری خود را از طریق مزایده، به صورت یکجا به فروش برساند.

علاقتمندان می توانند حجت بآیدید، تا تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۱

ک شادی، شرکت بزرگ منطقه ای یزد، امور تدارکات و قراردادها، ۳۸۲۴۴۵۴-۵۳  
ضمن به پیشنهادهای مبهم، مشروط، مخدوش، فاقد تضمین و پیشنهادهایی که غیر از  
دار سالگرد در تریب اثر داده نخواهد شد.

**دفتر روابط عمومی**

۹	نشانی و شماره تماس دستگاه مناقصه‌گزار	یزد، میدان امام حسین، بلوار دانشجو، بعد سایر مشخصات در اسناد مناقصه درج شده است
۱۰	توضیحات	

(NGHSCO)

**آگهی مناقصه عمومی دوم مرحله ای شماره ۱۰۲۳۵۵**

شرکت فولاد غدیر نیریز (سهامی خاص) در نظر دارد جهت تامین کنترل ولوهای برند PFEIFER

۳- انتخاب حسابرس و بازرس قانونی برای سال مالی ۱۳۹۸  
۴- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

مراجعة نمایند.

**مهدی رصاف حقیقت**  
**مدیر تصفیه**

[illegible][illegible][illegible]

از الزاماتی که به همراه اسناد مناقصه ارائه خواهد شد، کالای به شرح ذیل از خریداری نماید:

مبلغ تخمین ریان	مبلغ برآوردی ریان	مبلغ تخمین ریان
۲۸۴,۰۰۰,۰۰۰	۳,۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰	متممات بر یوه

و تائید به مطالبات مورد تائیدی باشد.

شرکت در مناقصه خود دارای خواهد نمود.

گر گردد.

بسیر دهد کمتر از میزان مقرر و داده نخواهد شد.

سوق فوق الذکر بازگاری گردد و تنها به الف به آدرس ساری برای امیر مازندران رویه روی نمایان و امیر مازندران رویه رویه هر یک شرکت توزیع برق مازندران تحویل گردد.

**محل بازگشایی اسناد مناقصه:** ساری، بازار، بعد از خیابان چای. امور ادا کارکات

**زمانی کسب اطلاعات پیش:**

ب- سایت پایگاه ملی مناقصات به آدرس [www.letsmporg.ir](http://www.letsmporg.ir)

ج- سایت شرکت توزیع برق مازندران به آدرس [www.tavanir.org.ir](http://www.tavanir.org.ir)

د- شما، تلف: ۰۱۱-۳۳۳۴۰۵۲۲

ه- [www.maztizi.com](http://www.maztizi.com)

ب- سایت پایگاه ملی مناقصات به آدرس [www.letsmporg.ir](http://www.letsmporg.ir)

ج- سایت شرکت توزیع برق مازندران به آدرس [www.tavanir.org.ir](http://www.tavanir.org.ir)

د- شما، تلف: ۰۱۱-۳۳۳۴۰۵۲۲

ه- [www.maztizi.com](http://www.maztizi.com)

[illegible]









































۴۰۴  
ضمیمه اجتماعی روزنامه اطلاعات  
دوشنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۸ (۲۹ سال نو و ششم - شماری ۷۳۲۷۵)

آموزدهای کارتابستانه





زیر گذر اینترنت

## آخر هفته‌ها با «بروکلین»

می‌افتادم و بامیه می‌فروختم.

«شهاب» که در اسکاتلند زندگی می‌کند نوشته: «اینجا در بلاد غرب هم چنین کارهایی را برای بچه تدارک می‌بینند که از اهداف آن، آموزش اعتماد به نفس و تقویت مهارت‌های تعاملات اجتماعی، مدیریت زمان، خوب صحبت کردن و غیره است. مدتی قبل، از این بچه‌ها بستنی خریدم. برای یک خیریه پول جمع می‌کردند.»

«شاهین احمدی» به تجربه خودش اشاره کرده: «من از دوازده سالگی کار تابستانه داشتم تا خرج خودم را در بیاورم، همیشه ناخودآگاه بودجه‌بندی می‌کردم و غیره. بعد از ازدواج هم همین رویه را در پیش گرفتم. قبول دارم که سخت‌تر شده، منتهی باید از یک جایی شروع کرد.»

«آسید عباس» اعتقاد دارد: «این که بچه با ذوق و شوق و البته تشویق والدین کم‌کم مفهوم پول و کار و مسئولیت را درک کند می‌تواند حرکت بسیار مثبتی باشد. فکر می‌کنم آموزش این چیزها خیلی وقت است که فراموش شده و همه تلاش‌ها معطوف به این است که حقوق را آموزش بدهیم و مسئولیت‌ها را رها کرده‌ایم.»

در این میان «پریسا» به ماجرای اشاره می‌کند که در زمان خودش خیلی سروصدا کرد: «مصاحبه‌ای از دیوید بکهام خواندم که می‌گفت پسر بزرگش (بروکلین) مدام می‌آمده پول الکی می‌خواست. والدینش تصمیم می‌گیرند او را از ۱۴ سالگی برای کار کردن در تعطیلات آخر هر هفته به یک رستوران بفرستند و همین کار را هم کردند! باوجود داشتن ۱۶۵ میلیون یورو ثروت خانوادگی! این قضیه را با زندگی بچه‌پولدارهای ایران مقایسه کنیم بعد ببینیم مشکل کجاست!»

حق با پریسا است. اخیراً «امیر جعفری»، بازیگر سینما و تلویزیون، در یک اظهار نظر عجیب گفته است که عجیب نیست اگر پسر فلان وزیر ماشین آن چنانی سوار می‌شود، زیرا به هر حال پدرش زحمت کشیده و به اینجا رسیده که فرزندش بتواند راحت زندگی کند! (نقل به مضمون)

این حرف در صورتی درست است که امکان پیشرفت برای همه افراد جامعه به یک اندازه فراهم باشد. در شرایطی که اقلیتی از جامعه با پول و پارتی و رانت به جایی می‌رسند

و اکثریت با وجود داشتن توانایی و تحصیلات، یا کاری مناسب خود نمی‌یابند یا حقوقی متناسب با زحماتی که می‌کشند دریافت نمی‌کنند، این گونه اظهار نظرها نشانه بی‌اطلاعی از وضعیت مردم و نمک‌پاشیدن روی زخم آنهاست.

پسر یا دختر وزیر و وکیل بودن، دلیلی برای برتری هیچ‌کس نیست. همه افراد باید وظیفه خود را در قبال جامعه انجام بدهند و فارغ از آن که فرزند چه کسی هستند با جدیت برای آبادانی کشور و رشد و پیشرفت شخصی خود تلاش کنند. فقط در این صورت است که هر کس در جایگاهی متناسب با توانایی‌های خود قرار خواهد گرفت و رویای عدالت اجتماعی به واقعیت نزدیک خواهد شد.

با فرارسیدن فصل تابستان، چگونگی پر کردن اوقات فراغت فرزندان تبدیل به چالشی برای والدین آنها می‌شود.

دکتر سفیدچیان، متخصص اعصاب و روان، در مطلبی با عنوان «به جای نایفه، خوشبخت تربیت کنید!» به نقل از امیر اصلانی نوشته است: «خانواده‌ها می‌خواهند کودکان را در فلان کلاس و مؤسسه ثبت‌نام کنند تا نایفه شود ولی بعد از کلی رفت‌وآمد، نتیجه‌ای جز خشم و اضطراب و افسردگی برای کودکان ندارد.

گیریم که کودک بتواند عدد هشت رقمی را در عدد پنج رقمی ضرب [کند] و جوابش را در یک صدم ثانیه بگوید یا بتواند در ۱۵ سالگی لیسانس بگیرد یا حافظ دیوان فلان شود، آیا آن وقت می‌تواند درست زندگی کند؟ از زندگی لذت ببرد؟ مشکلاتش را حل کند؟ درست تصمیم بگیرد؟ دوست مناسب پیدا کند؟ اصلاً می‌تواند بخندد؟

حق کودکان نیست که بار آرزوهای از دست‌رفته ما را به دوش بکشند و کودکان فدا می‌خواسته‌های ما شود!

کودکان ما نیازی به نایفه شدن ندارند اما نیاز دارند که بدانند چگونه زندگی کنند، توانایی‌هایشان را بشناسند و بتوانند آنها را به کار گیرند!

«شاپرک» ضمن تأیید این موضوع می‌گوید: «این مسأله یک خطای فرهنگی در خانواده‌های ماست؛ درحالی که می‌توانند به جای کلاس‌های تابستانی، مهارت‌هایی را که به کار زندگی می‌آید در صورت تمایل بچه‌ها به آنها آموزش بدهند.»

هادی از تجربه خود حرف می‌زند: «از هشت سالگی تابستان‌ها کار کردم. اگر بچه‌ای داشته باشم او را هم از ۱۰-۹ سالگی می‌فرستم تابستان‌ها کار کند.»

و «هرمس» با این نوشته تأیید می‌کند: «اجتماعی شدن قسمت عمده نسل ما دهه شصتی‌ها در همین کار تابستانه حاصل می‌شد که نسل‌های بعدی از آن محروم بوده و هستند.»

«محمد خراسانی‌زاده» با انتشار عکس پسرش می‌نویسد: «کار تابستانی پسر من حسین آقا شروع شد. قرار است روزی چند ساعت سر کوچه خودمان شربت‌سنا بچرخد و بفروشد تا هم کسب و کار یاد بگیرد، هم قدر پول را بفهمد، هم سختی کار را درک کند و هم تمرین کند که روی پای خودش بایستد و صرفاً مصرف‌کننده نباشد.»

برخی کاربران اعتقاد دارند این به معنای تربیت یک کودک کار است و کار درستی نیست. مثلاً کاربر «پیکور» می‌گوید: «این بچه الان باید بجگی کند و در کنار بازی و تفریحات سالم به کلاس‌های علمی یا ورزشی برود تا استعدادش پیدا شود.»

آقای خراسانی‌زاده پاسخ می‌دهد: «پسر من همه این کارهایی را که شما گفتید دارد انجام می‌دهد و در کنارش این تجربه گرانبه‌ای را هم درک می‌کند.»

در این میان «احمد» به یاد کودکی‌هایش می‌افتد: «یادش به‌خیر، یک زمانی بچه بودم یک سینی برمی‌داشتم، می‌رفتم بامیه می‌فروختم و بعد در کل شهر دوره

میدان مشق

### تابستان

### باطعم‌پول



• ارغمان زمان فشمی

تابستان بود و من دبستانی بودم. پسر همسایه یک جعبه کوچک داشت که با خودش به کوچه می‌آورد و محتوای آن را به بچه‌های در و همسایه می‌فروخت؛ لواشک و آلوچه، کیک و کلوچه، آدامس و از این جور چیزها که از بقالی می‌خرید و هر کدام را دوسه تومان گران‌تر عرضه می‌کرد.

از حرکتش خوشم آمد. می‌توانست با پولی که درمی‌آورد، هر چیزی که دلش می‌خواست برای خودش بخرد. تصمیم گرفتم من هم کاری انجام بدهم که بتوانم پول در بیاورم اما فکر دیگری داشتم.

از همان دوران اهل مطالعه بودم و پدر و مادرم برایم کتاب می‌خریدند. شروع کردم به آموزش بچه‌های فامیل. آنها را دور هم جمع می‌کردم، برایشان قصه می‌نوشتم و می‌خواندم، سوژه‌ای می‌گفتم تا تصویرشان را از آن نقاشی کنند، کتاب‌های مصور مثل «تن‌تن» و «میلو» را به دستشان می‌دادم و از آنها می‌خواستم مثلاً تعداد قطرات عرقی را که روی صورت شخصیت‌های داستان نقاشی شده بود بشمارند!

در گبرودار همین کتاب ورق‌زدن‌ها و داستان خواندن‌ها بود که از مطالعه خوششان می‌آمد اما این مرحله‌ای بود که باید برای کتاب خواندن پول پرداخت می‌کردند تا هم بیشتر مراقب کتاب باشند، هم ارزش آن را بدانند و هم من درآمدی کسب کرده باشم!

همه این ماجراها را فراموش کرده بودم تا چند وقت پیش که بچه‌های فامیل پای خاطرات گذشته را وسط کشیدند و به این قضایا اشاره کردند و تازه آن وقت بود که متوجه شدم چه تأثیری روی آنها گذاشته‌ام! کتاب‌های کودکی را آوردم و دیدم که روی صفحه اول بعضی از آنها با مداد قیمت کرایه کردند! نوشته‌ام، پنج ریال یا یک تومان! آن وقت‌ها با پنج تومان می‌توانستم مجله کیهان بچه‌ها را بخرم.

جالب‌تر این که هنوز تقریباً همان کار را انجام می‌دهم؛ یعنی از راه خواندن و نوشتن زندگی می‌کنم و این شاید نتیجه همان کار تابستانی است که یک‌بار در کودکی انجام دادم!

تماشاخانه



● تصویر سمت چپ: دیوید بکام - ستاره میلیاردر فوتبال انگلستان

● تصویر سمت راست: فرزند دیوید بکام - در حال گارسونی در رستوران





# تابستان؛ زمانی برای کاشت بذر موفقیت های آتی



ندا زمان فشمی

## کسب مهارت

کار تابستانی یا کار نیمه وقت به نوجوان کمک می کند تا مهارت هایی بدست آورد که هیچ مدرسه و دانشگاهی آنها را به او نخواهد آموخت. مهارت هایی که نوجوان در این فرآیند می آموزد، یک فرصت عالی است برای پرورش استعدادهای او و به او کمک می کند در آینده، در حرفه خود موفق تر عمل کند. در واقع، نوجوان با کار کردن در جایی که همه در آن وظایف خود را با سرعت انجام می دهند، یاد می گیرد که چگونه باید به عنوان عضوی از یک گروه کار کند.

او یاد می گیرد که از قوه ابتکارش استفاده کرده و به جزئیاتی که به نظر می آید کم اهمیت باشند توجه کند. افراد دیگری که در سنین پایین کار تابستانی یا نیمه وقت انجام نمی دهند، همه این مهارت های ارزشمند را بعداً باید در مشاغل مختلف و جنبه های مختلف زندگی بیاموزند. کار تابستانی یک تجربه بار ارزش است؛ هر چند ممکن است با شغل رویایی نوجوان، فرسنگ ها فاصله داشته باشد. ممکن است برنامه کاری آینده نوجوان این نباشد که در آینده همبرگر سرخ کند و بفروشد یا بین گارسون بودن و شغل رویایی آن نوجوان هیچ ارتباطی وجود نداشته باشد، اما بسیاری از مهارت ها و دانشی که او در کار تابستانه بدست می آورد، در آینده

با شروع تابستان و تعطیلی مدارس و دانشگاه ها، اوقات فراغت نوجوانان آغاز می شود که می توانند آن را با فعالیت های مختلف پر کنند. در سال های اخیر، والدین معمولاً نوجوانان را تشویق می کنند تا با ثبت نام در کلاس های آموزشی مختلف، مهارت های گوناگونی را در زمینه های علمی، ورزشی و هنری کسب کنند. آنچه اکثر پدر و مادرها از آن غافل هستند، پرورش حس مسئولیت پذیری، استقلال، اعتماد به نفس، روحیه کار گروهی و خیلی مهارت های فردی دیگری است که در هیچ کلاسی نوجوان آنها را نخواهد آموخت. کار تابستانه یا نیمه وقت، به معنای بهره کشی از نوجوان و مجبور کردن او به تأمین بخشی از هزینه های شخصی یا خانوادگی نیست. کار تابستانه، کلاس درسی است که به رشد اجتماعی و شکل گیری شخصیت نوجوان کمک می کند.

## یادگیری چگونه تعامل درست با دیگران

کار تابستانه متناسب با سن برای نوجوان، یک روش عالی برای شناخت استعدادهایش است و به او این احساس را می دهد که بخشی از یک جامعه بزرگ تر است. وقتی نوجوان را از طریق کار تابستانه وارد جامعه می کنیم، به او می آموزیم که هنگام تعامل با دیگران، باید آنها را درک کند. در واقع او در این فرآیند یاد می گیرد که چگونه با دیگران تعامل اخلاقی داشته باشد.

تحقیقات نشان می دهند که نوجوانانی که کار تابستانه انجام می دهند، پیوندهای اجتماعی مستحکم تری با دیگران دارند، روحیه مدارا در آنها بیشتر است، بیشتر به دیگران لبخند می زنند و احساس عشق در آنها بیشتر است.

در این فرآیند، نوجوان این فرصت را دارد تا افراد جدیدی را ملاقات کند و در گفتگو با آنها، با دیدگاه های جدید، فرهنگ ها و طرز فکر های جدید آشنا شود. به این ترتیب او خواهد آموخت که با شخصیت های مختلف، تعامل درست داشته باشد. او متوجه می شود که با افراد مختلفی که زندگی های مختلفی دارند، چگونه باید صحبت کند و نسبت به تفاوت های فرهنگی در فضای کاری حساسیت پیدا می کند. همچنین یاد می گیرد برای برقراری ارتباط با همکاران، بهترین روش ها را به کار گیرد و قبل از اینکه حرفی بزند، درباره اینکه کلماتش بر اعمال دیگران چه اثری دارند، خوب فکر کند.

## پیشگیری از به هدر رفتن عمر

نوجوان با کار تابستانه یاد می گیرد که از زندگی روزمره و یکنواخت دوری کند. کار کردن، از خوابیدن در خانه و وقت گذرانی طولانی با دوستان و سرگرم شدن با بازی های کامپیوتری و تماشای هر روزه سریال، بهتر و هیجان انگیز تر است. هدف از کار تابستانی آن است که نوجوان به جای هدر دادن وقت، کاری را انجام دهد که بر زندگی آینده اش اثر گذار است. او بعدها وقتی به روزهای تابستانی خود فکر می کند، با خود می گوید «من در آن تابستان کار تازه ای یاد گرفتم (مثلاً یک وب سایت طراحی کردم)» و به خاطر این کار به خودش افتخار خواهد کرد.

وقتی نوجوان کار تابستانه داشته باشد، فعالیت های جانبی اش هم بیشتر خواهد بود. او تمایل بیشتری خواهد داشت تا به کلاس های مختلف برود و چیزهایی را که دوست دارد، بیاموزد.

همچنین دوست دارد اوقات را با دوستانش سپری کند و زمانی را هم به تفریحات مورد علاقه اش اختصاص دهد. به این ترتیب او یک برنامه شلوغ خواهد داشت و این کمک می کند تا بتواند مهارت مدیریت زمان را در خود تقویت کند. او استفاده بهتری از زمانش خواهد کرد و زمان کمتری را هدر خواهد داد.

کار تابستانی در میزان فعال بودن و انگیزه داشتن نوجوان اثر گذار است. وقتی شمار برنامه روزانه نداشته باشید اغلب تنبلی می شوید و انگیزه خود را برای بیدار شدن و فعالیت از دست می دهید. کار تابستانی یا نیمه وقت به شما کمک می کند فعال و در نتیجه سلامت بمانید.

به نوجوان کمک نمی کند تا مطمئن شود در آینده دوست دارد پز شک شود یا نه، اما دست کم متوجه می شود که آیا دوست دارد یا مردم کار کند یا نه؛ و آیا توانایی انجام برخی کارها را دارد یا نه. حتی ممکن است متوجه شود که چیزی را دوست دارد که قبلاً خودش هم نمی دانسته است (مثلاً اینکه دوست دارد کارهای مربوط به حساب و کتاب را انجام دهد). خواندن کتاب و مقاله درباره مهارت های مورد نیاز برای شغل آینده، هیچ وقت نمی تواند مانند تجربه ای که در جهان واقعی بدست می آوریم، به ما کمک کند تا متوجه شویم چه چیزی را دوست داریم و به چه مهارت هایی نیازمندیم. کارهای تابستانی کمک می کنند درباره علایق و چیزهایی که دوست نداریم، آگاهی کافی بدست آورده و نقاط قوت و ضعف خود را در کار ارزیابی کنیم.

## فرصت های شغلی بهتر و بیشتر

نوجوان با کار تابستانی، تجربه کاری بدست می آورد و این در رزومه کاری اش، نقطه قوتی است و به او کمک می کند تا در آینده، وقتی برای پیدا کردن کار اقدام می کند، به عنوان یک کاندیدای قابل اعتماد، از دیگران متمایز شود. کارفرمایان عموماً دوست دارند کسی را استخدام کنند که تجربه کاری دارد زیرا چنین شخصی، درک درستی از اخلاق محیط کاری و فرهنگ مشارکت دارد. تجربه کاری که فرد در دوره نوجوانی کسب کرده،



بعدها نشان می دهد که او یک کارمند سختکوش و مسئولیت پذیر خواهد بود زیرا وقتی در حال درس خواندن بوده است، با دوراندیشی به کسب تجربه و مهارت آموزی هم پرداخته است.

## کسب استقلال

فایده دیگر کار تابستانی آن است که به نوجوان کمک می کند تا استقلال پیدا کند. در واقع او مسئول برنامه ها، پول و وظایف خودش خواهد بود. در نتیجه وابستگی و اتکای کمتری به دیگران خواهد داشت و یاد می گیرد از خودش دفاع کند. این استقلال، در شکل گیری شخصیت به او کمک می کند، اگر شخصیت او به خوبی شکل بگیرد، هم در تحصیل و هم در مشاغل آینده اش بسیار سودمند خواهد بود.

## بالا رفتن اعتماد به نفس

اگر نوجوان شما فردی خجالتی و درونگرا است، یک شغل تابستانه به او کمک می کند تا از لاک خود بیرون آمده و اعتماد به نفسش بیشتر شود. از آنجایی که اکثر کارهای دانش آموزی، مشاغلی در حوزه فروش یا خدمات هستند که در آنها نوجوان با مشتری برخورد دارد، مجبور می شود تا با افراد زیادی معاشرت کند و اگر فرصت کار تابستانی را نداشت، چنین اتفاقی نمی افتاد. در نتیجه این فرصت است که فرزند شما یاد می گیرد چطور در برخورد با دیگران، احساس بهتری داشته باشد.

در بیشتر محیط ها به دردتش خواهد خورد.

## آگاهی از امور مالی

یکی از سودمندی های کار تابستانی آن است که برای نوجوان فرصت درآمدزایی فراهم می کند. برای بسیاری از نوجوانان، این مدل فعالیت ها، اولین فرصت برای یادگیری مهارت پول درآوردن و بودجه بندی است. وقتی نوجوان با قبول کار تابستانی و تحمل سختی پول در می آورد، نسبت به اینکه آن پول را به چه صورت خرج کند، حساسیت بیشتری خواهد داشت. نوجوان در این مقطع یاد می گیرد امور مالی خود را مدیریت کند. او درمی یابد که وقتی درآمد دارد، می تواند پس انداز هم داشته باشد. همچنین کار تابستانی باعث می شود فرد از همان زمان نوجوانی، نسبت به امور مالی آگاهی پیدا کند. به این ترتیب وقتی بزرگتر شود، درآمد خود را بهتر مدیریت خواهد کرد و بدهی بالا نمی آورد.

## شناخت استعدادها و علایق شخصی

کار تابستانی، به نوجوان کمک می کند نسبت به علایق و استعدادهای خود شناخت بهتری کسب کند. گاهی افرادی را می بینیم که در کودکی و نوجوانی نسبت به شغل رویایی خود اطمینان داشتند اما باز هم در بزرگسالی، هنگام پیدا کردن شغل، با تردیدهای زیادی مواجه شدند و بارها کار خود را تغییر دادند تا بالاخره به شغل مورد نظر خود رسیدند. کار کردن در کافی شاپ



بازی کردن در حیاط مدرسی که دارای زیستگاه‌های طبیعی و درخت و نه صرفا آسفالت و تجهیزات سرگرمی هستند، استرس کودکان و بی‌توجهی آن‌ها را کاهش می‌دهد.

بر اساس مطالعه دانشمندان دانشگاه کلرادو بولدر، کار بر روی تکالیف درسی و باغبانی در چنین محیط‌هایی دارای مزایای کاهش استرس برای جوانان است. سرویس پژوهشی ایسنا با این مقدمه، درباره بخشی از این پژوهش که در مجله Health & Place منتشر شده است، نوشت:

«این مطالعه یکی از نخستین تحقیقات در نوع خود است که بر رابطه بین دسترسی دانش‌آموزان به فضاهای سبز و استرس متمرکز شده است.

دانشمندان با مطالعه دانش‌آموزان ابتدایی در نواحی ساخته‌شده و جنگلی، استفاده دانش‌آموزان مقطع چهارم تا ششم از زیستگاه طبیعی برای علوم و دروس نوشتاری و همچنین باغبانی دانش‌آموزان دبیرستانی به صورت داولطبی و گذراندن واحد درسی یا خدمات موردنیاز مدارس، به نتایج جدید خود دست یافتند.

به گفته لولیس چالوا، رهبر ارشد این پژوهش، مدارس جایی هستند که کودکان بخش اعظمی از ساعات عمرشان را در آن‌ها می‌گذرانند و بنابراین واردکردن تماس روزانه با دنیای طبیعی در این مکان‌ها به دلیل مزایای فراوان آن حائز اهمیت است. حیاط‌های خاکی و طبیعی مدرسه که به‌طور مثال دارای گل، بلوط و ویژگی‌های آبی هستند، روابط پشتیبانی‌کننده و احساس رقابت را در میان کودکان افزایش می‌دهند.»

شاید نمونه وطنی این ایده، در قالب مدارس طبیعت مجسم و محقق شد؛ مدرسی که راه اندازی شدند تا نسلی را تربیت کنند که عاشق این سرزمین باشند و عکس گرفتن در کنار لاشه خون‌آلود یک حیوان را افتخار خود تلقی نکنند. قرار بود نسلی از مدارس طبیعت بیرون بیایند که زیاله‌های خود را از پنجره اتوبیبل بیرون نریزند، در مقابل آتش‌سوزی جنگل‌ها بی‌تفاوت نباشند، آب و انرژی را بی‌محایا مصرف نکنند و همیار هموطنان خود در مشکلات باشند.

سال ۱۳۹۳ در کنار مدارس معمولی و پرانتقادی که شاکله نظام آموزشی کشور ما را تشکیل می‌دهند، مدرسی در برخی شهرها در قلب طبیعت برپا شدند تا انسان‌هایی سالم، بالنگیزه، بانشاط و علاقه‌مند محیط زیست تربیت کنند؛ حامیانی پروپاقرص و مهربان برای محیط زیست و طبیعت خسته و زخم خورده سرزمین‌مان.

به همت این مدارس خوابیوان و غلت زدن روی خاک و سبزه و گیاه، بالا رفتن از درخت، غذا دادن به مرغ و خروس و ارک و مرغابی و سگ و گربه و حتی در آغوش گرفتن و بازی با آنها، گل بازی و لمس مستقیم خاک و آب و خلاصه رها شلدن در طبیعت در «مدارس طبیعت» امکان‌پذیر شد با کلاس‌هایی بدون در و دیوار، زیر نظر کارشناسان و فعالان محیط زیست، پای درختان و در میان مزرعه، کنار لانه پرندگان و نزدیک حیوانات اهلی؛ بدون هیچ معلمی و نیکمیتی و مداد و کتاب و دفتری، محلی برای تخلیه هیجانات کودکان و نوجوانان و یادگیری اصول محیط زیستی و سبک متفاوت در زندگی.

**آغاز مدارس طبیعت**

پای مدارس طبیعت، زمستان سال ۹۳ در ایران و در مشهد باز شد و به سرعت طرفدارانی در سراسر کشور پیدا کرد و گسترش یافت.

ایده این مدارس از عبدالحسین وهاب‌زاده، استاد بوم‌شناسی و نظریه‌پرداز برجسته

- آرش عطاری**

جامعه‌ای پراس‌ترس که به دلایل مختلف از نظر آرامش روحی در وضع مناسبی به سر نمی‌برد، در هر شرایطی احتمال انجام یک واکنش منطقی از او کمتر از حالتی است که دارای یک آرامش نسبی است. این موضوع قطعا نیاز به تأمل و مطالعه علمی فراوان دارد. ضعف جامعه در این زمینه که منجر به ابراز خشونت به راه‌های گوناگون می‌شود، موضوعی قابل چشم‌پوشی نیست. فردی که یک توله خرس را به آن شکل مورد حمله قرار می‌دهد، تضمینی نیست که در وضعیتی دیگر، با یک انسان هم رفتار مشابه از خود نشان ندهد.

فیلمی که از ماجرا بیرون آمد بسیار تکان دهنده بود؛ توله خرسی دو ساله، تنها و حیران نشسته روی زمین و مات و میهوت انگار چشم چشم می‌کند که مادرش را ببیند و او را پیدا نمی‌کند. یک مرد و یک پسر جوان از فاصله‌ای چند متری او را سنگ‌باران می‌کنند. طبق گفته شاهدان و مسئولان سازمان محیط زیست، توله خرس که در بلندی تپه‌ای همراه با مادرش حرکت می‌کرده، در اثر برخورد گلوله‌ای، از تپه سقوط می‌کند و به زمین می‌افتد. دو مرد بعد از سنگ‌باران توله خرس، طاب به گردش انداخته و او را روی زمین می‌کشند و تلاش می‌کنند توله خرس را سوار کامیونت کرده و احتمالا به جایی منتقلش کنند که بتوانند از پوستش یا گوشش استفاده‌های مورد نظر شان را ببرند که با سر رسیدن مأموران سازمان حفاظت از محیط‌زیست، توله خرس را رها کرده و فرار می‌کنند (روایت‌ها از روند و چگونگی این اتفاقات هنوز چندان دقیق نیست). مأموران سازمان، توله خرس را اسوار ماشین می‌کنند تا به اولین مرکز درمانی منتقل کنند. آنگونه که توسط یکی از مأموران حاضر در ماجرا گفته شده، توله خرس در آخرین ساعات شب بر اثر ضربات سنگ و چوب، جان می‌دهد.

خشونت، خرافات یا ترس آسیب دیدن از جانب حیوانات؛ علت حادثه چیست؟ قصه، قصه‌ای است تکراری. در سال‌های گذشته، قتل بسیاری از حیوانات حیات وحش به ویژه خرس‌ها یا بر اثر شلیک شکارچیان یا خشونت مرد، به دقعات رخ داده است. کرمانشاه، منطقه دالاهو، کلاردشت، پارک ملی گلستان، شاهرود و … در حالی شاهد کشتار بی‌رحمانه

محیط‌زیست ایران است.

وی پیش از این استاد دانشگاه فردوسی بوده است که وقتی خسنگی، افسردگی، اضطراب و خمودی و بی‌انگیزگی تدریجی دانشجویان و حتی دانش‌آموزان را می‌بیند، در پی علل و عوامل آن برمی‌آید و مطمئن می‌شود ریشه مشکل از بن‌بست خشک و جدی نظام آموزشی است که کلاس‌های تنش‌زای کنکور هم به آن اضافه شده و حتی تا مقطع دبستان هم پیشروی کرده است.

این استاد دانشگاه مطمئن می‌شود راهی جز تغییر سیستم آموزشی و آشتی و پیوند کودکان با طبیعت برای پرورش انسان‌های سالم و باروچیه و انگیزه باقی نمانده؛ لذا دست به کار شده و پایه اولین مدرسه طبیعت را در مشهد بنا می‌نهد.

وهاب‌زاده در مصاحبه‌های مختلف با رسانه‌ها اعلام کرده است: در مدرسه طبیعت



*گویا کسی به «آموزش دوستی با طبیعت» مجوز نمی‌دهد*

# مدارس طبیعت کشور در خلأ قانون یکی یکی تعطیل شدند

بچه‌ها زندگی می‌کردند و آرامش پیدا می‌کردند. در این مدارس چیزی فرا می‌گفتند که در مکان‌های دیگر با فرمانی گرفتند یا ناقص فرا می‌گرفتند. در مدرسه طبیعت، کودکان فرصت داشتند که با آب، خاک، سنگ، گل، حیوان و گیاه ارتباط برقرار کنند. در این گفت‌مان کودکان با عمل خود می‌آموختند و نه از طریق آموزش مستقیم مربیان. مدرسه طبیعت امکان یادگیری مهارت‌های زندگی را برای کودکان فراهم می‌آورد. با مثال‌های بسیار ساده‌ای می‌توان ثابت کرد که مدرسه طبیعت کاربردی بوده‌است چون کودکان یاد می‌گرفتند که باید با گندم نان را درست کنند یا اینکه ختم‌مرغ از مرغ به دست می‌آید و نه از مغازه همسایه شان. کودکانی که خود از درخت توت بچینند و بشورند و بخورند هم متوجه چگونگی به عمل آمدن توت می‌شوند و هم قدر کشاورز را می‌دانند. وقتی کودک خود با کاشت

و برداشت گندم آشنا شود و فرآیند تولید نان را تجربه کند این کودک قدر نان را بهتر از هر فرد دیگری خواهد دانست و دیگر به آن به عنوان کالایی دور ریختنی و غیر قابل خوردن نگاه نخواهد کرد.

به نظر این بوم‌شناس، سرمایه‌گذاری روی کودکان بهتر از سرمایه‌گذاری روی بزرگسالان است.

جامعه باید از پر کردن ذهن کودکان با محفوظات بیهوده بپرهیزد. باید اجازه بدهد نسل آینده با تجربه و پرانگیزه، خلاق و سالم بار بیاید. امروزه عمده جوانان ما به همه درجه‌های تحصیلی می‌رسند، اما شاد نیستند. چون سازگاری اجتماعی در آن‌ها ضعیف است. نداشتن تجربه طبیعت در کودکی به‌یقین نقش بزرگی در وضعیت ناگوار امروزی داشته‌است. اگر در وهله نخست عشق به طبیعت در نهاد کودکان پرورده شود، خود به دنبال یافتن ریشه‌های تنباهی و جلوگیری از آن بر خواهند خاست. کودک در دوره‌های سنی گوناگون، در ارتباط با طبیعت مجموعه‌ای از ارزش‌ها را فرا می‌گیرد که فقط در صورت تحقق همه این ارزش‌ها، در آینده شهروندی توانا و متعهد به محیط پیرامون خود خواهد شد. ما در مدرسه‌های طبیعت شهرها بیشتر بر لمس طبیعت تأکید می‌کردیم و در محیط‌های بیرون بر ارتقای درک نوجوانان از ارزش‌های عالی‌تری محیط و طبیعت بافشاری می‌کنیم. کودک در سال‌های پیش‌دستانی و دبستان، یعنی حدود ۵ تا ۱۱ سالگی، دوران حساسی برای ارتباط با طبیعت، راحلی می‌کند که بسته به تجربه‌اش در این مرحله، می‌تواند نسبت به آن بسیار علاقه‌مند یا گریزان شود. نقش خانواده، مربیان و نظام آموزشی در این دوره بسیار حساس و تعیین‌کننده است. مادری که با دغدغه‌های بهداشتی یا ایمنی مانع از برقراری تماس کودکش با آب، خاک، درخت، حیوان و سایر عناصر محیط‌های بیرون می‌شود او را از یک تجربه باارزقتر محروم می‌دارد که نه تنها به رابطه آینده فرزندش با طبیعت ضربه جبران‌ناپذیری وارد می‌کند و فرصت‌های آینده او در لذت بردن از این سرچشمه لایزال زیبایی و سرخوشی را به خطر می‌اندازد؛ بلکه به شکفتگی استعدادهای او نیز آسیب جدی می‌زند چراکه می‌دانیم پرورش استعدادهای فرد در بسیاری از زمینه‌ها از جمله خلاقیت، استعداد حل مسأله، قدرت دستوری، قدرت تخیل و پرورش حواس پنجگانه در گرو یک تعامل مستمر، ملموس، واقعی و متنوع با طبیعت در این دوره حساس است.

**پایان مدارس طبیعت**

سازمان محیط زیست، در ماه‌های پایانی سال ۹۶، با پخشنامه‌ای مانع صدور پروانه به مدارس طبیعت شد و وزارت آموزش و پرورش را مرجع صدور این مجوزها دانست. آموزش و پرورش هم با پنهان‌ه این که این مدارس، شکل رسمی آموزش‌ها را ندارند و باید مجوزی مثل مدارس غیرانتفاعی را بگیرند، از صدور مجوز امتناع کرد تا شعله روشن هریک از این مدارس در سکوت و خلأ قانونی، خاموش شود.

به واقع با دستور ریاست فعلی سازمان حفاظت از محیط زیست ایران، تعطیلی این مدارس آغاز شد و به دنبال آن بسیاری از پژوهشگران و دوستداران محیط‌زیست اعلام کردند: چرا در شرایطی که سازمان متولی محیط‌زیست بیش از ۱۲۰ محیط‌بان شهید و تعدادی مجروح داده است، تخریب‌های گسترده‌ای در حال رخ دادن است، عرصه‌های جنگلی، مرتعی و تالاب‌ها در حال خشک شدن هستند و تنوع زیستی ۹/۰ کاهش یافته و از روبه‌رو شلن با این وضعیت عاجز است، به جای حمایت از تربیت نسل دوستدار و حامی محیط‌زیست، سنگ‌اندازی می‌کند و می‌گوید دنبال دردرس نمی‌رویم؟

## سنگباران توله خرس؛ زوایای مختلف یک تراژدی تکراری

دو سال قبل، بعد از ماجرای تلخ ضرب و شتم و کشته شدن توله خرسی در پارک ملی گلستان، شهرام مهاجر، وکیل پایه یک دادگستری طی گفتگویی با خبر آنلاین گفته بود: درباره حقوق حمایت از حیوانات دو تفکیک وجود دارد؛ یکی حیوانات شهری و دوم حیواناتی که متعلق به حیات‌وحش‌اند. یک سری مقرراتی در سازمان محیط زیست از قدیم در زمینه حیات‌وحش وجود دارد که به روز نیستند؛ شاید در زمانی که آن قانون‌ها وضع شده قانونگذار خیلی متوجه خطر از دست دادن یکسری از گونه‌های حیات وحش نبوده، بنابراین با دید ملایم‌تری قانونگذاری کرده و این قوانین آفتور که باید بازدارندگی ندارند.

در رابطه با مورد اخیر، جمشید محبت‌خانی، فرمانده یگان حفاظت سازمان محیط زیست می‌گوید: جریمه کشتن و شکار خرس براساس قانون مجازات صید و شکار، ۸۰ میلیون تومان است. ضمناً با توجه به این که کشتن این توله خرس منجر به جریحه‌دار شدن افکار عمومی شده، با تشخیص قاضی برای پرونده مجازات مناسبی مشخص خواهد شد.

در مورد مباحث مرتبط با قانون، نکته دیگر، خلأ قانونی در حمایت از باغداران و یا دامداران آسیب‌دیده توسط حیوانات است. بارها پیش آمده که محصولات یک باغدار یا دام‌های یک دامدار مورد حمله خرس، پلنگ یا حیوانات دیگر واقع شده‌است. این افراد در بسیاری از موارد با در نظر گرفتن طبیعت حیوانات، حتی با اینکه بعضاً توسط این حیوانات مجروح شده‌اند، رفتار خشونت‌آمیزی از خود نشان نداده‌اند. برخی نیز، اما به روش‌های مختلف از ضرب و شتم یا باسگ و چوب گرفته تا شلیک با اسلحه و … به مقابله با این حیوانات برخاسته‌اند. نکته اینجاست که در چارچوب قانون جبرانی برای این ضرها به افراد، خصوصاً اگر از جانب خرس باشد، پیش‌بینی نشده است (پلنگ‌ها در برهه‌ای از زمان مورد حمایت بیمه قرار گرفته بودند).

در این رابطه باقر نظامی، عضو هیأت علمی دانشکده محیط زیست در گفتگو با ایران در کنار

دوشنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۸-سال نود و سوم-شماره ۲۷۳۱۷

#### طبیعت و تمدن

*هیچ برنامه مدونی برای کاهش خشونت علیه طبیعت نداریم*

## تکه کلام‌هایمان پر شده از خشونت علیه حیوانات

- محمد درویش

کمک فعالان محیط زیستی، مدارس طبیعت را راه اندازی کند. این مدارس بسیار مورد استقبال قرار گرفتند و بخش خصوصی هم وارد کار شد. حدود ۸۰ مدرسه طبیعت در ۲۹ استان کشور راه‌اندازی شدند. این مدارس نقش زیادی در کاهش خشونت علیه محیط زیست و حیوانات داشتند. این مدارس می‌توانستند چشم‌انداز امیدبخشی برای آینده باشند، ولی با تغییراتی که در سازمان محیط زیست روی داد این مدارس مورد غفلت قرار گرفتند و تعطیل شدند. با تعطیلی این مدارس و بی‌توجهی به آموزش محیط زیستی، خشونت نسبت به محیط زیست در جامعه افزایش پیدا کرد، حتی تلفات انسانی هم زیاد شده و در چند ساله اخیر تعداد زیادی محیط‌بان و جنگل‌بان را از دست داده‌ایم.

تأکید می‌کنم در کشور ما عملاً هیچ برنامه مدونی برای کاهش خشونت علیه طبیعت وجود ندارد. در نتیجه در جامعه‌ای که سرگرمی کودکانش آزار و اذیت سگ‌ها و گربه‌ها و سنگسار کردن خرس‌ها باشد، آینده روشنی برای آن انتظار نمی‌رود. افرادی که نمی‌توانند با طبیعت ارتباطی دوستانه داشته باشند، در آینده تبدیل به افرادی خشن می‌شوند که به همنوع خود هم رحم نمی‌کنند. اگر می‌خواهیم خشونت و نزاع‌های خیابانی را در جامعه کاهش بدهیم، باید از بچگی به کودکان خود آموزش دهیم. در حال حاضر آمار نزاع‌های خیابانی در تهران به حدی بالاست که «تهران» به عنوان «سومین شهر نزاع‌خیز» دنیا معرفی شده است.

تغییر را باید از مهدکودک‌ها یا مقاطع ابتدای شروع کرد. باید مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی را از کودکی و به صورت غیرمستقیم به بچه‌ها انتقال بدهیم. نهادهای مختلفی در این زمینه تأثیر گذار هستند که باید نقش خود را به خوبی ایفا کنند. یکی از نهادهای مهم در زمینه آموزش محیط زیستی رسانه است که باید در قلم‌ها و سریال‌هایی که تهیه می‌کند، اثرات مثبت به محیط زیست به صورت غیرمستقیم آموزش داده شود. همان‌گونه که در حال حاضر بخشنامه شده که نقش‌های مثبت قیلیم‌ها و سریال‌ها حق ندارند سیگار بکشند و باید کمربند خود را ببندند، در زمینه محیط‌زیست هم باید مفاهیم را به این صورت انتقال داد. اگر این اقدامات چنین مفاهیمی باید به صورت غیرمستقیم در آموزش و حیات‌وحش در آن حفظ می‌شود.

**منبع: برنا**

تأکید بر اهمیت فرهنگ‌سازی، بیمه حیات وحش را مطمئن‌ترین چتر برای حفاظت از گونه‌های در معرض انقراض دانسته است. او می‌گوید: وقتی سازمان محیط زیست بتواند خسارت حیات‌وحش به کشاورزی و دامداری را بدهد آن زمان می‌تواند از آن‌ها هم طلب داشته باشد.

**نبود یک مجری قوی برای اجرای قوانین موجود**

با این حال حتی اگر قوانینی سفت و سخت‌تر هم در زمینه‌های مورد نظر وضع شود، ضعف شدید سازمان حفاظت از محیط زیست، مانع اجرای صحیح و کاربردی این قوانین خواهد شد. سازمانی با بودجه بسیار کمتر از آنچه که نیاز دارد و با دنیایی از مشکلات ریز و درشت که در رفع ابتدایی‌ترین آن‌ها هم کاملاً نهماست. چه برسد به بحث‌هایی مانند فرهنگ‌سازی که در دید بسیاری از مدیران کشور، هنوز یک «کالای لوکس» است.

**نبود آموزش و تحلیل‌های علمی و مطالعه در مورد رفتار آزاددهندگان**

احترام به‌ه حیوانات و حفاظت از محیط زیست تقریباً جایی در آموزش کودکان ما ندارد. در هیچ‌کدام از رده‌های دبستان و دوره‌های متوسطه، در کتاب‌های درسی مطالبی به این‌چنین آموزش‌ها طبق اصول حرفه‌ای، اختصاص داده نشده‌است. هر گونه آموزشی صرفاً در بعضی از خانواده‌ها و آن هم احتمالاً به شکل نه چندان علمی انجام می‌گیرد. کودکی که ورودی مناسب از این‌ها نداشته باشد، چه رفتاری در قبال حیوانات از خود بروز خواهد داد؟ او در بزرگسالی که قدرت بیشتر و ترس کمتری هم دارد، چه واکنشی به رفتارهای غریزی این حیوانات خواهد داشت؟ پرسش دیگر این که در کدام مورد در ده سال اخیر، پس از وقوع حادثه، رفتار آزاددهندگان حیوانات مورد مطالعه دقیق و علمی قرار گرفته است؟ کدام پژوهش از کدام مرکز علمی یا دانشگاه به این مورد پرداخته است؟ به منظور فرهنگ‌سازی و تدوین آموزش‌های کارآمد، قطعا انجام چنین پژوهش‌هایی ضروری است. اما واقعیت این است که مسئولان و نهادهای تصمیم‌گیر در این زمینه، هنگام رخ دادن اتفاقات مشابه، به جای چنین واکنش‌های علمی‌ای، صرفاً به واکنش‌های هیجانی نظیر تعقیب قضایی و دستگیری و نهایتاً مجازات افراد بسنده کرده‌اند که کاملاً مشخص است این تصمیمات، به تنهایی تصمیمات مؤثری نبوده‌اند.

**منبع: فرارو**



بازی کردن در حیاط مدرسی که دارای زیستگاه‌های طبیعی و درخت و نه صرفا آسفالت و تجهیزات سرگرمی هستند، استرس کودکان و بی‌توجهی آن‌ها را کاهش می‌دهد.

بر اساس مطالعه دانشمندان دانشگاه کلرادو بولدر، کار بر روی تکالیف درسی و باغبانی در چنین محیط‌هایی دارای مزایای کاهش استرس برای جوانان است. سرویس پژوهشی ایسنا با این مقدمه، درباره بخشی از این پژوهش که در مجله Health & Place منتشر شده است، نوشت:

«این مطالعه یکی از نخستین تحقیقات در نوع خود است که بر رابطه بین دسترسی دانش‌آموزان به فضاهای سبز و استرس متمرکز شده است.

دانشمندان با مطالعه دانش‌آموزان ابتدایی در نواحی ساخته‌شده و جنگلی، استفاده دانش‌آموزان مقطع چهارم تا ششم از زیستگاه طبیعی برای علوم و دروس نوشتاری و همچنین باغبانی دانش‌آموزان دبیرستانی به صورت داولطبی و گذراندن واحد درسی یا خدمات موردنیاز مدارس، به نتایج جدید خود دست یافتند.

به گفته لولیس چالوا، رهبر ارشد این پژوهش، مدارس جایی هستند که کودکان بخش اعظمی از ساعات عمرشان را در آن‌ها می‌گذرانند و بنابراین واردکردن تماس روزانه با دنیای طبیعی در این مکان‌ها به دلیل مزایای فراوان آن حائز اهمیت است. حیاط‌های خاکی و طبیعی مدرسه که به‌طور مثال دارای گل، بلوط و ویژگی‌های آبی هستند، روابط پشتیبانی‌کننده و احساس رقابت را در میان کودکان افزایش می‌دهند.»

شاید نمونه وطنی این ایده، در قالب مدارس طبیعت مجسم و محقق شد؛ مدرسی که راه اندازی شدند تا نسلی را تربیت کنند که عاشق این سرزمین باشند و عکس گرفتن در کنار لاشه خون‌آلود یک حیوان را افتخار خود تلقی نکنند. قرار بود نسلی از مدارس طبیعت بیرون بیایند که زیاله‌های خود را از پنجره اتوبیبل بیرون نریزند، در مقابل آتش‌سوزی جنگل‌ها بی‌تفاوت نباشند، آب و انرژی را بی‌محابا مصرف نکنند و همیار هموطنان خود در مشکلات باشند.

سال ۱۳۹۳ در کنار مدارس معمولی و پرانتقادی که شاکله نظام آموزشی کشور ما را تشکیل می‌دهند، مدرسی در برخی شهرها در قلب طبیعت برپا شدند تا انسان‌هایی سالم، بالنگیزه، بانشاط و علاقه‌مند محیط زیست تربیت کنند؛ حامیانی پروپاقرص و مهربان برای محیط زیست و طبیعت خسته و زخم خورده سرزمین‌مان.

به همت این مدارس خوابیوان و غلت زدن روی خاک و سبزه و گیاه، بالا رفتن از درخت، غذا دادن به مرغ و خروس و ارک و مرغابی و سگ و گربه و حتی در آغوش گرفتن و بازی با آنها، گل بازی و لمس مستقیم خاک و آب و خلاصه رها شلدن در طبیعت در «مدارس طبیعت» امکان‌پذیر شد با کلاس‌هایی بدون در و دیوار، زیر نظر کارشناسان و فعالان محیط زیست، پای درختان و در میان مزرعه، کنار لانه پرندگان و نزدیک حیوانات اهلی؛ بدون هیچ معلمی و نیکمیتی و مداد و کتاب و دفتری، محلی برای تخلیه هیجانات کودکان و نوجوانان و یادگیری اصول محیط زیستی و سبک متفاوت در زندگی.

**آغاز مدارس طبیعت**

پای مدارس طبیعت، زمستان سال ۹۳ در ایران و در مشهد باز شد و به سرعت طرفدارانی در سراسر کشور پیدا کرد و گسترش یافت.

ایده این مدارس از عبدالحسین وهاب‌زاده، استاد بوم‌شناسی و نظریه‌پرداز برجسته

- آرش عطاری**

جامعه‌ای پراس‌ترس که به دلایل مختلف از نظر آرامش روحی در وضع مناسبی به سر نمی‌برد، در هر شرایطی احتمال انجام یک واکنش منطقی از او کمتر از حالتی است که دارای یک آرامش نسبی است. این موضوع قطعا نیاز به تامل و مطالعه علمی فراوان دارد. ضعف جامعه در این زمینه که منجر به ابراز خشونت به راه‌های گوناگون می‌شود، موضوعی قابل چشم‌پوشی نیست. فردی که یک توله خرس را به آن شکل مورد حمله قرار می‌دهد، تضمینی نیست که در وضعیتی دیگر، با یک انسان هم رفتار مشابه از خود نشان ندهد.

فیلمی که از ماجرا بیرون آمد بسیار تکان دهنده بود؛ توله خرسی دو ساله، تنها و حیران نشسته روی زمین و مات و میهوت انگار چشم چشم می‌کند که مادرش را ببیند و او را پیدا نمی‌کند. یک مرد و یک پسر جوان از فاصله‌ای چند متری او را سنگ‌باران می‌کنند. طبق گفته شاهدان و مسئولان سازمان محیط زیست، توله خرس که در بلندی تپه‌ای همراه با مادرش حرکت می‌کرده، در اثر برخورد گلوله‌ای، از تپه سقوط می‌کند و به زمین می‌افتد. دو مرد بعد از سنگ‌باران توله خرس، طاب به گردش انداخته و او را روی زمین می‌کشند و تلاش می‌کنند توله خرس را سوار کامیونت کرده و احتمالا به جایی منتقلش کنند که بتوانند از پوستش یا گوشش استفاده‌های مورد نظر شان را ببرند که با سر رسیدن مأموران سازمان حفاظت از محیط‌زیست، توله خرس را رها کرده و فرار می‌کنند (روایت‌ها از روند و چگونگی این اتفاقات هنوز چندان دقیق نیست). مأموران سازمان، توله خرس را اسوار ماشین می‌کنند تا به اولین مرکز درمانی منتقل کنند. آنگونه که توسط یکی از مأموران حاضر در ماجرا گفته شده، توله خرس در آخرین ساعات شب بر اثر ضربات سنگ و چوب، جان می‌دهد.

خشونت، خرافات یا ترس آسیب دیدن از جانب حیوانات؛ علت حادثه چیست؟ قصه، قصه‌ای است تکراری. در سال‌های گذشته، قتل بسیاری از حیوانات حیات وحش به ویژه خرس‌ها یا بر اثر شلیک شکارچیان یا خشونت مرد، به دفاتر نر داده است. کرمانشاه، منطقه دالاهو، کلاردشت، پارک ملی گلستان، شاهرود و … در حالی شاهد کشتار بی‌رحمانه

محیط‌زیست ایران است.

وی پیش از این استاد دانشگاه فردوسی بوده است که وقتی خسنگی، افسردگی، اضطراب و خمودی و بی‌انگیزگی تدریجی دانشجویان و حتی دانش‌آموزان را می‌بیند، در پی علل و عوامل آن برمی‌آید و مطمئن می‌شود ریشه مشکل از بن‌بست خشک و جدی نظام آموزشی است که کلاس‌های تنش‌زای کنکور هم به آن اضافه شده و حتی تا مقطع دبستان هم پیشروی کرده است.

این استاد دانشگاه مطمئن می‌شود راهی جز تغییر سیستم آموزشی و آشتی و پیوند کودکان با طبیعت برای پرورش انسان‌های سالم و باروچیه و انگیزه باقی نمانده؛ لذا دست به کار شده و پایه اولین مدرسه طبیعت را در مشهد بنا می‌نهد.

وهاب‌زاده در مصاحبه‌های مختلف با رسانه‌ها اعلام کرده است: در مدرسه طبیعت



*گویا کسی به «آموزش دوستی با طبیعت» مجوز نمی‌دهد*

# مدارس طبیعت کشور در خلأ قانون یکی یکی تعطیل شدند

بچه‌ها زندگی می‌کردند و آرامش پیدا می‌کردند. در این مدارس چیزی فرا می‌گفتند که در مکان‌های دیگر با فرمانی گرفتند یا ناقص فرا می‌گرفتند. در مدرسه طبیعت، کودکان فرصت داشتند که با آب، خاک، سنگ، گل، حیوان و گیاه ارتباط برقرار کنند. در این گفت‌مان کودکان با عمل خود می‌آموختند و نه از طریق آموزش مستقیم مربیان. مدرسه طبیعت امکان یادگیری مهارت‌های زندگی را برای کودکان فراهم می‌آورد. با مثال‌های بسیار ساده‌ای می‌توان ثابت کرد که مدرسه طبیعت کاربردی بوده‌است چون کودکان یاد می‌گرفتند که باید با گندم نان را درست کنند یا اینکه ختم‌مرغ از مرغ به دست می‌آید و نه از مغازه همسایه شان. کودکانی که خود از درخت توت بچینند و بشورند و بخورند هم متوجه چگونگی به عمل آمدن توت می‌شوند و هم قدر کشاورز را می‌دانند. وقتی کودک خود با کاشت

و برداشت گندم آشنا شود و فرآیند تولید نان را تجربه کند این کودک قدر نان را بهتر از هر فرد دیگری خواهد دانست و دیگر به آن به عنوان کالایی دور ریختنی و غیر قابل خوردن نگاه نخواهد کرد.

به نظر این بوم‌شناس، سرمایه‌گذاری روی کودکان بهتر از سرمایه‌گذاری روی بزرگسالان است.

جامعه باید از پر کردن ذهن کودکان با محفوظات بیهوده بپرهیزد. باید اجازه بدهد نسل آینده با تجربه و پرانگیزه، خلاق و سالم بار بیاید. امروزه عمده جوانان ما به همه درجه‌های تحصیلی می‌رسند، اما شاد نیستند. چون سازگاری اجتماعی در آن‌ها ضعیف است. نداشتن تجربه طبیعت در کودکی به‌یقین نقش بزرگی در وضعیت ناگوار امروزی داشته‌است. اگر در وهله نخست عشق به طبیعت در نهاد کودکان پرورده شود، خود به دنبال یافتن ریشه‌های تنباهی و جلوگیری از آن بر خواهند خاست. کودک در دوره‌های سنی گوناگون، در ارتباط با طبیعت مجموعه‌ای از ارزش‌ها را فرا می‌گیرد که فقط در صورت تحقق همه این ارزش‌ها، در آینده شهروندی توانا و متعهد به محیط پیرامون خود خواهد شد. ما در مدرسه‌های طبیعت شهرها بیشتر بر لمس طبیعت تأکید می‌کردیم و در محیط‌های بیرون بر ارتقای درک نوجوانان از ارزش‌های عالی‌تری محیط و طبیعت بافشاری می‌کنیم. کودک در سال‌های پیش‌دستانی و دبستان، یعنی حدود ۵ تا ۱۱ سالگی، دوران حساسی برای ارتباط با طبیعت، راحی می‌کند که بسته به تجربه‌اش در این مرحله، می‌تواند نسبت به آن بسیار علاقه‌مند یا گریزان شود. نقش خانواده، مربیان و نظام آموزشی در این دوره بسیار حساس و تعیین‌کننده است. مادری که با دغدغه‌های بهداشتی یا ایمنی مانع از برقراری تماس کودکش با آب، خاک، درخت، حیوان و سایر عناصر محیط‌های بیرون می‌شود او را از یک تجربه باارزقتر محروم می‌دارد که نه تنها به رابطه آینده فرزندش با طبیعت ضربه جبران‌ناپذیری وارد می‌کند و فرصت‌های آینده او در لذت بردن از این سرچشمه لایزال زیبایی و سرخوشی را به خطر می‌اندازد؛ بلکه به شکفتگی استعدادهای او نیز آسیب جدی می‌زند چراکه می‌دانیم پرورش استعدادهای فرد در بسیاری از زمینه‌ها از جمله خلاقیت، استعداد حل مسأله، قدرت دستوری، قدرت تخیل و پرورش حواس پنجگانه در گرو یک تعامل مستمر، ملموس، واقعی و متنوع با طبیعت در این دوره حساس است.

**پایان مدارس طبیعت**

سازمان محیط زیست، در ماه‌های پایانی سال ۹۶، با پخشنامه‌ای مانع صدور پروانه به مدارس طبیعت شد و وزارت آموزش و پرورش را مرجع صدور این مجوزها دانست. آموزش و پرورش هم با پنهان‌این که این مدارس، شکل رسمی آموزش‌ها را ندارند و باید مجوزی مثل مدارس غیرانتفاعی را بگیرند، از صدور مجوز امتناع کرد تا شعله روشن هریک از این مدارس در سکوت و خلأ قانونی، خاموش شود.

به واقع با دستور ریاست فعلی سازمان حفاظت از محیط زیست ایران، تعطیلی این مدارس آغاز شد و به دنبال آن بسیاری از پژوهشگران و دوستداران محیط‌زیست اعلام کردند: چرا در شرایطی که سازمان متولی محیط‌زیست بیش از ۱۲۰ محیط‌بان شهید و تعدادی مجروح داده است، تخریب‌های گسترده‌ای در حال رخ دادن است، عرصه‌های جنگلی، مرتعی و تالاب‌ها در حال خشک شدن هستند و تنوع زیستی ۹/۰ کاهش یافته و از رو‌برو ر شدن با این وضعیت عاجز است، به جای حمایت از تربیت نسل دوستدار و حامی محیط‌زیست، سنگ‌اندازی می‌کند و می‌گوید دنبال در‌درسر نمی‌رویم؟

## سنگباران توله خرس؛ زوایای مختلف یک تراژدی تکراری

دو سال قبل، بعد از ماجرای تلخ ضرب و شتم و کشته شدن توله خرسی در پارک ملی گلستان، شهرام مهاجر، وکیل پایه یک دادگستری طی گفتگویی با خبر آنلاین گفته بود: درباره حقوق حمایت از حیوانات دو تفکیک وجود دارد؛ یکی حیوانات شهری و دوم حیواناتی که متعلق به حیات‌وحش‌اند. یک سری مقرراتی در سازمان محیط زیست از قدیم در زمینه حیات‌وحش وجود دارد که به روز نیستند؛ شاید در زمانی که آن قانون‌ها وضع شده قانونگذار خیلی متوجه خطر از دست دادن یکسری از گونه‌های حیات وحش نبوده، بنابراین با دید ملایم‌تری قانونگذاری کرده و این قوانین آفتور که باید بازدارندگی ندارند.

در رابطه با مورد اخیر، جمشید محبت‌خانی، فرمانده یگان حفاظت سازمان محیط زیست می‌گوید: جریمه کشتن و شکار خرس براساس قانون مجازات صید و شکار، ۸۰ میلیون تومان است. ضمناً با توجه به این که کشتن این توله خرس منجر به جریحه‌دار شدن افکار عمومی شده، با تشخیص قاضی برای پرونده مجازات مناسبی مشخص خواهد شد.

در مورد مباحث مرتبط با قانون، نکته دیگر، خلأ قانونی در حمایت از باغداران و یا دامداران آسیب‌دیده توسط حیوانات است. بارها پیش آمده که محصولات یک باغدار یا دام‌های یک دامدار مورد حمله خرس، پلنگ یا حیوانات دیگر واقع شده‌است. این افراد در بسیاری از موارد با در نظر گرفتن طبیعت حیوانات، حتی با اینکه بعضاً توسط این حیوانات مجروح شده‌اند، رفتار خشونت‌آمیزی از خود نشان نداده‌اند. برخی نیز، اما به روش‌های مختلف از ضرب و شتم یا باسگ و چوب گرفته تا شلیک با اسلحه و … به مقابله با این حیوانات برخاسته‌اند. نکته اینجاست که در چارچوب قانون جبرانی برای این ضرها به افراد، خصوصاً اگر از جانب خرس باشد، پیش‌بینی نشده است (پلنگ‌ها در برهه‌ای از زمان مورد حمایت بیمه قرار گرفته بودند).

در این رابطه باقر نظامی، عضو هیأت علمی دانشکده محیط زیست در گفتگو با ایران در کنار

*هیچ برنامه مدونی برای کاهش خشونت علیه طبیعت نداریم*

## تکه کلام‌هایمان پر شده از خشونت علیه حیوانات

- محمد درویش

کمک فعالان محیط زیستی، مدارس طبیعت را راه اندازی کند. این مدارس بسیار مورد استقبال قرار گرفتند و بخش خصوصی هم وارد کار شد. حدود ۸۰ مدرسه طبیعت در ۲۹ استان کشور راه‌اندازی شدند. این مدارس نقش زیادی در کاهش خشونت علیه محیط زیست و حیوانات داشتند. این مدارس می‌توانستند چشم‌انداز امیدبخشی برای آینده باشند، ولی با تغییراتی که در سازمان محیط زیست روی داد این مدارس مورد غفلت قرار گرفتند و تعطیل شدند. با تعطیلی این مدارس و بی‌توجهی به آموزش محیط زیستی، خشونت نسبت به محیط زیست در جامعه افزایش پیدا کرد، حتی تلفات انسانی هم زیاد شده و در چند ساله اخیر تعداد زیادی محیط‌بان و جنگل‌بان را از دست داده‌ایم.

تأکید می‌کنم در کشور ما عملاً هیچ برنامه مدونی برای کاهش خشونت علیه طبیعت وجود ندارد. در نتیجه در جامعه‌ای که سرگرمی کودکانش آزار و اذیت سگ‌ها و گربه‌ها و سنگسار کردن خرس‌ها باشد، آینده روشنی برای آن انتظار نمی‌رود. افرادی که نمی‌توانند با طبیعت ارتباطی دوستانه داشته باشند، در آینده تبدیل به افرادی خشن می‌شوند که به ممنوع خود هم رحم نمی‌کنند. اگر می‌خواهیم خشونت و نزاع‌های خیابانی را در جامعه کاهش بدهیم، باید از بچگی به کودکان خود آموزش دهیم. در حال حاضر آمار نزاع‌های خیابانی در تهران به حدی بالاست که «تهران» به عنوان «سومین شهر نزاع‌خیز» دنیا معرفی شده است.

تغییر را باید از مهدکودک‌ها یا مقاطع ابتدای شروع کرد. باید مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی را از کودکی و به صورت غیرمستقیم به بچه‌ها انتقال بدهیم. نهادهای مختلفی در این زمینه تأثیر گذار هستند که باید نقش خود را به خوبی ایفا کنند. یکی از نهادهای مهم در زمینه آموزش محیط زیستی رسانه است که باید در قلم‌ها و سریال‌هایی که تهیه می‌کند، احترام به محیط زیست به صورت غیرمستقیم آموزش داده شود. همان‌گونه که در حال حاضر بخشنامه شده که نقش‌های مثبت قیل‌ها و سریال‌ها حق ندارند سیگار بکشند و باید کمربند خود را ببندند، در زمینه محیط‌زیست هم باید مفاهیم را به این صورت انتقال داد. اگر این اقدامات چنین مفاهیمی باید به صورت غیرمستقیم در آموزش و حیات‌وحش در آن حفظ می‌شود.

**منبع: برنا**

تأکید بر اهمیت فرهنگ‌سازی، بیمه حیات وحش را مطمئن‌ترین چتر برای حفاظت از گونه‌های در معرض انقراض دانسته است. او می‌گوید: وقتی سازمان محیط زیست بتواند خسارت حیات‌وحش به کشاورزی و دامداری را ببدند آن زمان می‌تواند از آن‌ها هم طلب داشته باشد.

**نبود یک مجری قوی برای اجرای قوانین موجود**

با این حال حتی اگر قوانینی سفت و سخت‌تر هم در زمینه‌های مورد نظر وضع شود، ضعف شدید سازمان حفاظت از محیط زیست، مانع اجرای صحیح و کاربردی این قوانین خواهد شد. سازمانی با بودجه بسیار کمتر از آنچه که نیاز دارد و با دنیایی از مشکلات ریز و درشت که در رفع ابتدایی‌ترین آن‌ها هم کاملاً نهماست. چه برسد به بحث‌هایی مانند فرهنگ‌سازی که در دید بسیاری از مدیران کشور، هنوز یک «کالای لوکس» است.

**نبود آموزش و تحلیل‌های علمی و مطالعه در مورد رفتار آزاددهندگان**

احترام به‌ه حیوانات و حفاظت از محیط زیست تقریباً جایی در آموزش کودکان ما ندارد. در هیچ‌کدام از رده‌های دبستان و دوره‌های متوسطه، در کتاب‌های درسی مطالبی به این‌چنین آموزش‌ها طبق اصول حرفه‌ای، اختصاص داده نشده‌است. هر گونه آموزشی صرفاً در بعضی از خانواده‌ها و آن هم احتمالاً به شکل نه چندان علمی انجام می‌گیرد. کودکی که ورودی مناسب از این‌ها نداشته باشد، چه رفتاری در قبال حیوانات از خود بروز خواهد داد؟ او در بزرگسالی که قدرت بیشتر و ترس کمتری هم دارد، چه واکنشی به رفتارهای غریزی این حیوانات خواهد داشت؟ پرسش دیگر این که در کدام مورد در ده سال اخیر، پس از وقوع حادثه، رفتار آزاددهندگان حیوانات مورد مطالعه دقیق و علمی قرار گرفته است؟ کدام پژوهش از کدام مرکز علمی یا دانشگاه به این مورد پرداخته است؟ به منظور فرهنگ‌سازی و تدوین آموزش‌های کارآمد، قطعا انجام چنین پژوهش‌هایی ضروری است. اما واقعیت این است که مسئولان و نهادهای تصمیم‌گیر در این زمینه، هنگام رخ دادن اتفاقات مشابه، به جای چنین واکنش‌های علمی‌ای، صرفاً به واکنش‌های هیجانی نظیر تعقیب قضایی و دستگیری و نهایتاً مجازات افراد بسنده کرده‌اند که کاملاً مشخص است این تصمیمات، به تنهایی تصمیمات مؤثری نبوده‌اند.

**منبع: فرارو**





# آموزه‌های کار تابستانه



● سمیه میرزایی

کودکان و نوجوانان به شمار می‌آید و از سویی دیگر می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات اجتماعی باشد. بنابراین اگر با آگاهی و دانش با آن روبرو نشویم و برنامه‌ای سنجیده و منظم برای آن نداشته باشیم، دچار صدمات و ضررهای جبران ناپذیری خواهیم شد.

## کار تابستانه

کار تابستانه، از جمله سنت‌های پسندیده‌ای است که می‌تواند توأمان بسیاری از اهداف اوقات فراغت سالم را محقق سازد. منظور از کار تابستانه، کارآموزی در حرفه‌ای است که بچه‌ها خودشان نسبت به آن ابراز علاقه می‌کنند. سابق بر این و بنا بر سنت دیرینه، دانش‌آموزان تابستان‌ها را در حجره‌های پدران‌شان یا کاسبان معتمد می‌گذراندند که خود می‌توانست مقدمه آشنایی بچه‌ها با مشاغل و انتخاب شغل مورد علاقه‌شان شود. اکنون با توجه به رشد جمعیت و پیشرفت‌های علوم در تمامی زمینه‌ها که خود مولد مشاغل جدید است و البته برخی تغییرات فرهنگی به وجود آمده در جامعه، کار تابستانه به شکل سابق را شاید کمتر بتوان دنبال کرد، اما باید دید که هدف اصلی از کار تابستانه چیست و چطور می‌توان این اهداف را در شرایط حاضر هم دنبال کرد؟

کار تابستانه در واقع نوعی آموزش غیررسمی است. آموزش غیر

اوقات «فراغت» را «زمان»‌هایی تعریف می‌کنند که افراد فارغ از مسئولیت‌های شغلی، تحصیلی، اجتماعی و شخصی که انجام آنها وظیفه است در اختیار دارند تا به اموری که به آن علاقه‌مندند، بپردازند. تا پیش از فراگیر شدن علوم اجتماعی و درگیری آن با وجوه مختلف زندگی فردی و جمعی افراد، تعریف هدفمندی برای اوقات فراغت نبود، اما امروز این علوم، تعریف سازمان‌یافته‌ای از «فراغت» ارائه می‌کنند که بر اساس آن، برنامه‌ریزی مناسب برای استفاده از اوقات فراغت باید دارای کارکردهای اجتماعی، روان‌شناختی و آموزشی باشد. با این تعریف، معنای فراغت از یک «زمان خالی» صرف، خارج می‌شود و هویت می‌یابد.

با این پیش فرض، اوقات فراغت دانش‌آموزی، فرصتی است که کودکان و نوجوانان با فاصله گرفتن از مسئولیت‌های دانش‌آموزی و اتمام سال تحصیلی به دست می‌آورند. با توجه به آنچه از تعاریف و کارکردهای اوقات فراغت گفته شد، صاحب‌نظران معتقدند تهیه برنامه برای بهره‌مندی از اوقات فراغت باید بدون هرگونه اجبار و در راستای تأمین نیازهای جسمی، روانی، شغلی و البته آموزشی دانش‌آموزان همراه باشد. تأکید این نکته ضروری است، منظور از نیازهای آموزشی اصلاً به معنای فرستادن دانش‌آموز به این کلاس و آن کلاس تقویتی در زمان اوقات فراغت نیست. اساساً استفاده از تمامی فرصت‌ها برای آموزش بچه‌ها در دوران تحصیل، مترادف با مسابقه والدین بر سر ثبت‌نام کلاس‌های تابستانی فرزندان‌شان که یکی از نشانه‌های فخر فروشی در کنار انبوه نشانه‌هایی از این دست که از امراض جدی جامعه ماست؛ نیست. متأسفانه این بزرگ‌ترین مشکلی است که در راستای کزفهمی برخی از اولیاء خانه و مدرسه از لزوم توجه به «آموختن» در سنین حساس کودکی و نوجوانی، با آن مواجهیم.

بارها صاحب‌نظران تأکید داشته‌اند که اشتغال مستمر و بدون وقفه دانش‌آموزان به یادگیری دروس در طول یک سال و نپرداختن به کارهای مورد علاقه در طول تابستان که فصل فراغت بچه‌ها از تحصیل است، موجب خستگی جسمی و ذهنی دانش‌آموزان می‌شود؛ به گونه‌ای که دانش‌آموز به تدریج نشاط و سرزندگی خود را از دست می‌دهد و اگر حتی به ظاهر کلاس‌های تقویتی در تابستان منجر به کسب نمرات بالاتری در طول سال تحصیلی شوند، در طولانی مدت، دزدگی و خستگی به همراه خواهند داشت. در واقع فشارهای ناشی از خستگی‌های ممتد ذهنی نه تنها ممکن است باز دست‌رفتن نشاط فرد همراه شوند بلکه در مواقعی عامل مهمی برای بروز بسیاری از اختلالات روانی همچون افسردگی‌ها و نارسایی‌های جسمی خواهند شد که متأسفانه روانی دارند. به همین دلیل در تعریف اوقات فراغت گفته شده که افراد در این زمان‌ها به فعالیت‌هایی بپردازند که از علاقه آنان نشأت می‌گیرد و باعث بروز حس شادی در آنان می‌شود. حتی فراتر از بحث اوقات فراغت دانش‌آموزان در تابستان گفته می‌شود، فقدان حداقلی از اوقات فراغت در زندگی روزمره در طول سال تحصیلی هم، باعث افزایش اضطراب و فشار روانی در دانش‌آموزان شده و زمینه اختلال یادگیری را فراهم می‌کند.

ضرورت آنچه در پرهیز از اجبار در برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت بچه‌ها گفته شد، نیل به یکی از مهم‌ترین کارکردهای اوقات فراغت یعنی تأمین بهداشت روانی افراد است. به همین دلیل باید در نظر داشت اوقات فراغت پدیده‌ای است که از یک سو مناسب‌ترین بستر برای رشد و شکوفایی استعدادهای گوناگون و ابعاد مختلف وجود

باشد و اصولاً هر نوع انتخاب و تصمیم‌گیری بدون داشتن اطلاعات، عملی بی‌پایه و اساس محسوب می‌شود. بیشتر اندیشمندان بر این نظر هستند که باید از دوره نوجوانی و حتی کودکی اطلاعات شغلی به افراد منتقل شود. کار تابستانه می‌تواند اطلاعات شغلی و حرفه‌ای را به روش و شیوه‌هایی درست به دانش‌آموزان منتقل کند. کارآموزی‌های تابستانی، بهترین فرصت برای آشنایی دانش‌آموزان با شغل مورد علاقه و چشم‌انداز تحصیلی آنهاست. امروز در بسیاری از مدارس دنیا به بچه‌ها کارآفرین شدن را آموزش می‌دهند و ما همچنان به دانش‌آموزان یاد می‌دهیم چطور تست بزنند و بعد با همین احساس شعف ناشی از مهارت بالای تست‌زنی وارد دانشگاه‌ها شوند و همچنان برای همیشه پز آموزشگاه‌ها و مدارس خاصی را که در آن درس خوانده‌اند را به یکدیگر بدهند!

کارآموزی به دانش‌آموز یاد می‌دهد هر شغلی در اهداف خود ارزشمند است و جایگاه خود را دارد. فرهنگ کار و تلاش را برای او نهادینه می‌کند. مفهوم مسئولیت‌پذیری و چگونگی ارتباطات میان فردی و اجتماعی را به او آموزش می‌دهد. دانش‌آموزان باید بتوانند در هر دوره‌ای از زندگی مسئولیت‌هایی را که به عهده‌شان است به خوبی



انجام داده و در مواجهه با هر موقعیت و بحرانی بهترین تصمیم را اتخاذ کنند و کارآموزی فرصت آموختن این مفاهیم را به بچه‌ها می‌دهد. با توجه به شرایط جدید اجتماعی، اکنون بسیاری از اهداف کار تابستانه از طریق برنامه‌ریزی برای انجام کارهای داوطلبانه برای دانش‌آموزان در اوقات تابستان قابل تحقق است. با انجام کارهای داوطلبانه‌ای مانند کمک به نهادهای محیط‌زیستی، نهادهایی که با هدف نگهداشت و ترویج ارزش‌های ملی ایرانی فعالیت می‌کنند، سازمان‌هایی که در راستای حمایت از حقوق حیوانات کار می‌کنند یا نهادهایی که فعالیت‌های عام‌المنفعه دارند، بچه‌ها ضمن رشد شخصی و افزایش اعتماد به نفس یاد می‌گیرند در هر زمانی می‌توانند بخشی از انرژی خود را صرف انجام کارهایی کنند که منفعت جمعی در بر دارد. باید حواسمان باشد، انجام کار تابستانه نباید باعث صدمات فیزیکی در بچه‌ها شود، مداومت داشته باشد و مانع شوق ادامه تحصیل در آنان شود.

رسمی به نوعی از آموزش اطلاق می‌شود که خارج از نظام آموزش رسمی است. در گذشته آموزش غیررسمی بیشتر متداول بود. از طریق این نوع آموزش، اطلاعات و دانش و مهارت‌ها از طریق خانواده و تعدادی از نهادهای اجتماعی به صورت سنتی ارایه می‌شد، اما امروز آموزش‌های رسمی جای آموزش‌های غیررسمی را گرفته است و دیگر شرایط اجتماعی و پیشرفت‌های تکنولوژیکی بشری اجازه نمی‌دهند افراد، آموزش‌های خود را خانوادگی یا مهارت‌هایشان را از طریق شاگرد-استادی فرا بگیرند. البته این اصلاً به معنای نادیده گرفتن و به فراموشی سپردن ارزش‌های کار تابستانه برای بچه‌ها نیست کما اینکه حتماً باید با توجه به الگوهای جدید، کار تابستانه را دنبال کرد.

حرفه‌آموزی در فصل اوقات فراغت بچه‌ها، از جمله فرصت‌هایی است که می‌تواند با خودشناسی و آگاهی بخشی به دانش‌آموزان، دید بازتری برای انتخاب رشته مورد نظر به دانش‌آموز ارائه کند. برای این که فرد شغلی را انتخاب کند، باید اطلاعات کافی از مشاغل داشته





# کودکی بهترین دوران برای یادگیری زبان خارجی نیست



• سوفی هارداد

کرده بودند.

این پژوهشگران گفته‌اند که شاید شرکت کنندگان سن بالاتر تحقیقشان از مهارت‌هایی که همراه با بلوغ به دست می‌آیند (مثل استراتژی‌های پیشرفته‌تر حل مسأله) و تجربه زبان شناختی خود بیشتر بهره برده باشند. به بیان دیگر، زبان آموزان سن بالاتر معمولاً چیزهای زیادی درباره خودشان و دنیا بلدند و می‌توانند از این دانش برای پردازش اطلاعات جدید استفاده کنند.

کودکان در «یادگیری تلویحی» عالی‌اند: گوش سپردن به متکلمان بومی و تقلید از آن‌ها. ولی این نوع یادگیری مستلزم گذراندن زمان زیادی با متکلمان بومی است. در سال ۲۰۱۶، مرکز بایلینگوئال میتز، یک گزارش داخلی پیرامون درس‌های ماندارین (زبان چینی معیار) در دبستان‌ها برای دولت اسکاتلند تهیه کرد. آن‌ها دیدند که یک ساعت آموزش در هفته تغییر معناداری در کودکان پنج‌ساله ایجاد نکرد. اما فقط نیم‌ساعت اضافه‌تر، همراه با حضور یک متکلم بومی، به کودکان کمک می‌کرد عناصری از ماندارین (مثل آهنگ کلمات) را بفهمند که در کنش برای بزرگسالان دشوارتر است.

## اکتساب آسان

همه ما در آغاز کار، بالفطره زبان‌شناسیم. ما در بچگی می‌توانیم تمامی ۶۰۰ صامت و ۲۰۰ مصوتی را که زبان‌های دنیا را می‌سازند بشنویم. در سال اول زندگی، تخصصی‌شن مغزمان شروع می‌شود، یعنی با صداهایی

بسیاری از ما همیشه در خلوت حسرت می‌خوریم که ای کاش در کودکی لااقل یک زبان دیگر یاد گرفته بودیم. در این صورت، نه این همه هزینه کلاس زبان روی دستمان می‌ماند و نه لازم بود عذاب حفظ لغت و دستور زبان‌های پیچیده را به جان بخریم. برای جبران این حسرت و این که این بلا سر فرزندانمان نیاید نیز از پایین‌ترین سنی که در ایران برای آموزش زبان دوم ثبت‌نام می‌کنند هم فرزندانمان را آماده زبان آموزی می‌کنیم و از مهدکودک‌های دوزبانه گرفته تا انواع فیلم و موسیقی و لالایی زبان خارجی برای دانش‌آموزان می‌کنیم که همزمان با شیر خوردن، از منبع زبان خارجی هم تغذیه بشود! بدتر از همه این که اگر فرزندانمان نتوانند مثل بلبلان بومی ماداگاسکار، به زبان خارجی حرف بزنند، نگران می‌شویم نکند استعداد زبان آموزی‌اش کم و کسری داشته باشد یا معلم زبانش ناتوان است و برای حل مسأله، دوز آموزش را بالا می‌بریم و او را از این کلاس به آن کلاس به ویژه در این تعطیلات داغ تابستانی پاس می‌دهیم و بر انبوه وسایل کمک آموزشی زبان خارجی‌اش می‌افزاییم و همه تلاش مادی و معنوی‌مان را می‌کنیم تا فرزندانمان در کودکی، یک خردسال چندزبانه شود.

اما تحقیق جدیدی در دانشگاه ادینبرو، نشان می‌دهد ما در بزرگسالی توانایی‌های بیشتری برای آموختن یک زبان تازه داریم و از آن هم بیشتر: اساساً زبان مادری خودمان را هم قبل از بزرگسالی به خوبی یاد نمی‌گیریم. صبح یک روز پاییزی شلوغ در «مهدکودک اسپنیش» است؛ مهدکودکی دوزبانه در شمال لندن. والدین کمک می‌کنند نوزادانشان کلاه و ژاکت دوزخه‌سواری را در بیاورند. معلم‌ها با آغوش باز و شوخ‌وشنگ به استقبالشان می‌روند. در زمین بازی، دخترکی می‌خواهد موش را به شکل «کولتا» (اسپانیایی دم‌اسبی) در بیاورد؛ بعد توپ را می‌غلطانند و به انگلیسی داد می‌زنند: «بگیر!»

کارمن رامپرساد، مدیر مدرسه، می‌گوید: «کودکان در این سن یک زبان را یاد نمی‌گیرند، بلکه آن را از آن خودشان می‌کنند.» این حرف گویا سهولت حسادت بر انگیز کار این چندزبانه‌های خردسال دور و بر او را خلاصه می‌کند. برای بسیاری از این بچه‌ها، اسپانیایی زبان سوم یا چهارم است. زبان مادری‌شان شاید کرواتی باشد یا عبری یا کره‌ای، یا هلندی. اگر این را با دروس عموم بزرگسالان در کلاس زبان مقایسه کنید، لایذ نتیجه می‌گیرید که بهتر است زبان آموزی در کودکی آغاز شود. ولی علم، تصویری بسیار پیچیده‌تر از تکامل رابطه ما با زبان در طول عمرمان ارائه می‌دهد و برخی نکاتش مشوق آن‌هایی است که دیر هنگام دست‌به‌کار می‌شوند.

به‌طور کلی، هر یک از مراحل زندگی مزیت متفاوتی در زبان آموزی دارد. در بچگی، گوش شنوایی برای صداهای مختلف داریم؛ نوپا که هستیم، با سرعت شگفت‌انگیزی می‌توانیم لهجه بومی را یاد بگیریم. در بزرگسالی، دامنه توجه طولانی‌تر و مهارت‌هایی حیاتی مانند سواد داریم که اجازه می‌دهند دامنه واژگانمان را حتی در زبان خودمان بسط بدهیم. حتی مجموعه‌ای از عوامل، غیر از بالا رفتن سن، (مانند اقتضات اجتماعی، روش‌های آموزش و حتی عشق و دوستی) می‌توانند اثر بگذارند بر اینکه چند زبان را تا چه اندازه خوب حرف بزنیم.

آنتونلا سوریس، استاد زبان‌شناسی رشد در دانشگاه ادینبرو، می‌گوید: «اینطور نیست که با افزایش سن، همه چیز رو به زوال بگذارد.»

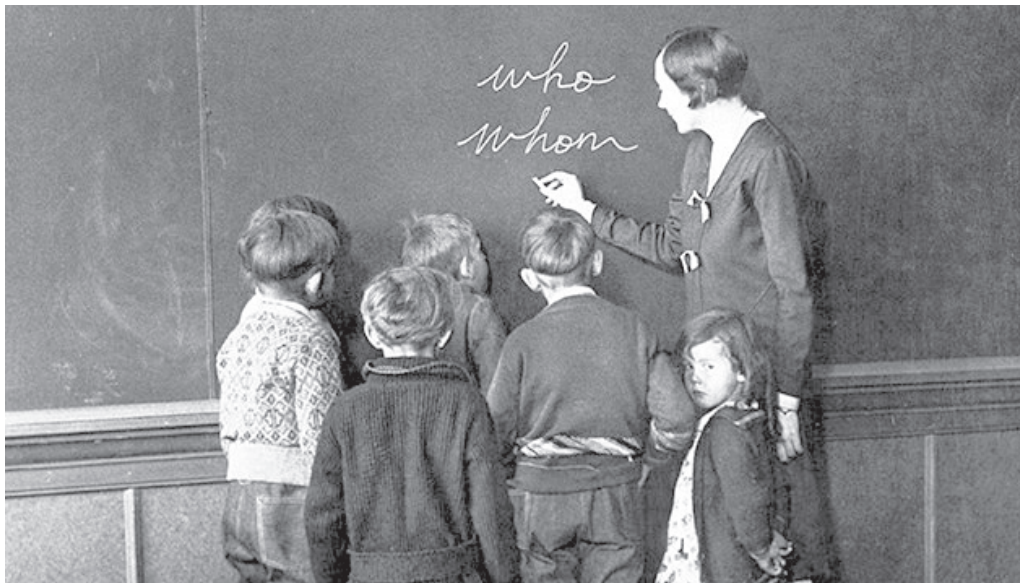
او مثال آن چیزی را می‌زند که به «یادگیری صریح» موسوم است: مطالعه یک زبان سر کلاس، با معلمی که قواعد آن زبان را توضیح می‌دهد. سوریس می‌گوید: «بچه‌های کم‌سن در یادگیری صریح بسیار ضعیف‌اند، چون کنترل شناختی و قابلیت‌های توجه و حافظه لازم را ندارند. بزرگسالان در این کار بسیار بهترند. پس این از آن چیزهایی است که با افزایش سن بهبود می‌یابد.» بزرگسالان در فهم قواعد یک زبان جعلی و پیاده کردن آن روی کلمات جدید در محیط آزمایشگاه بهتر عمل می‌کنند. دانشمندان سه گروه مجزا را مقایسه کردند: هشت‌ساله‌ها، دوازده‌ساله‌ها و تازه‌بالغ‌ها. امتیاز بالغ‌ها از هر دو گروه کم‌سن‌تر بیشتر بود و دوازده‌ساله‌ها هم بهتر از بچه‌های کم‌سال‌تر عمل کردند. این یافته با نتایج یک مطالعه درازمدت روی تقریباً ۲۰۰۰ دوزبانه اسپانیایی که انگلیسی می‌آموختند همخوانی دارد: آن‌هایی که دیرتر شروع کردند، زبان جدید را سریع‌تر از آن‌هایی فرا گرفتند که در سن پایین‌تر شروع

اجتماعی‌شان حیاتی است: دوست پیدا کردن، پذیرفته شدن، در جمع جاگرفتن. ولی والدینشان با کسانی بیشتر معاشرت می‌کنند که زبانشان را می‌فهمند. ترنکیچ می‌گوید: «خلق پیوند عاطفی، شما را در زبان آموزی بهبود می‌دهد.»

البته بزرگسالان هم می‌توانند پیوند عاطفی خلق کنند و راهش هم فقط عشق یا دوستی نیست. یک مطالعه در سال ۲۰۱۳ روی بزرگسالان بریتانیایی در یک دوره مقدماتی زبان ایتالیایی نشان داد کسانی که پیگیر دوره می‌مانند با سایر زبان‌آموزان و همچنین معلم پیوند برقرار می‌کردند و این برایشان مفید بود.

از نظر وی: «اگر افراد هم‌نظر با خودتان را پیدا کنید، احتمال آنکه یک زبان را ادامه بدهید و استقامت داشته باشید بیشتر می‌شود. کلید ماجرا نیز واقعاً همین است. باید سال‌ها صرف یادگیری‌اش بکنید. ادامه‌دادن به این کار واقعاً دشوار است مگر آنکه یک انگیزه اجتماعی برایش داشته باشید.»

اوایل سال گذشته، مطالعهای در دانشگاه ام‌آی‌تی بر اساس یک آزمون آنلاین میان تقریباً ۶۷۰ هزار نفر نشان داد که برای کسب دانش دستور زبان انگلیسی در حد متکلمان بومی، ده‌سالگی بهترین زمان آغاز یادگیری این زبان است و پس از آن توانایی افول می‌کند. ولی این مطالعه در عین حال نشان داد که ما می‌توانیم به مرور زمان همواره به زبان‌های مختلف (از جمله زبان خودمان) مسلط‌تر شویم. به عنوان مثال، تسلط کامل



بر دستور زبان خودمان حدود سی‌سالگی اتفاق می‌افتد، نه زودتر. این یافته در راستای یک مطالعه آنلاین قدیمی‌تر است که نشان می‌دهد حتی متکلمان بومی نیز تا میانسالی تقریباً روزانه یک کلمه جدید از زبانشان یاد می‌گیرند.

ترنکیچ می‌گوید: «مردم گاهی می‌پرسند که بزرگ‌ترین مزیت یادگیری زبان‌های بیگانه چیست؟ پول بیشتری به دست می‌آورم؟ باهوش‌تر می‌شوم؟ سالم‌تر می‌مانم؟ اما درحقیقت، بزرگ‌ترین مزیت دانستن زبان‌های بیگانه آن است که می‌توانیم با افراد بیشتری ارتباط بگیریم.» خود ترنکیچ اصالتاً صرب است. او در بیست‌وچندسالگی، پس از مهاجرت به انگلستان، توانست انگلیسی را سلیس صحبت کند. او می‌گوید هنوز هم به‌ویژه وقتی خسته است یا استرس دارد، خطاهای دستورزبانی دارد. او کمی بعد در یک ایمیل نوشت: «ولی، علی‌رغم همه این‌ها، مهم این است که می‌توانم کارهای شگفت‌انگیزی به انگلیسی بکنم. می‌توانم از بزرگ‌ترین آثار ادبی لذت ببرم، و می‌توانم متن‌های مبامعا و منسجمی خلق کنم که کیفیتشان در حد مناسب برای انتشار است.» اما نکته جالب شاید این باشد که از قضا می‌فهمیم مدیران مهدکودک دوزبانه، خودش هم دیر دست‌به‌کار زبان آموزی شده است. کارمن رامپرساد در رومانی بزرگ شد و در بیست‌وچندسالگی که به خارج رفت توانست بالاخره واقعاً به انگلیسی تسلط پیدا کند.

منبع:

• این مطلب را سوفی هارداد نوشته و وبسایت ترجمان با ترجمه محمد معاریان منتشر کرده است.



## امروز در تاریخ

## نافرمانی مصریان از حکمرانان ایرانی

تایمک جولای سال ۲۲۵ پیش از میلاد، دیگر بر حکمران ایرانی مصر مسلم شده بود که آتی هابار دیگر به تحریک مصریان بر ضد امپراتوری ایران دست زدند. نافرمانی مصریان که سومین نافرمانی ایشان در طول سلطه ایران بود؛ با اعزام نیروی اضافی از فارس امروز و کرمان از طریق دریاسواران شد و آن‌ها از مصر اخراج و منبأ رودخانه سزم شدند.

## مخالفت آیت اللہ کاشانی با نخست وزیر ی هژیر

امروز ایران در ماه های خرداد و تیر تابان ۱۳۲۷ تحت الشعاع مخالفت آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی با نخست وزیر شدن عبدالحسین هژیر قرار داشت. این مخالفت از بیست و سوم خرداد که مجلس به نخست وزیر شدن هژیر ابراز تمایل کرده بود، آغاز شد. آیت الله کاشانی نمایندگانی را که نسبت به هژیر ابراز تمایل کرده بودند مورد انتقاد قرار داده و خواسته بود که تمایل خود را پس بگیرند. تنها ۱۲۰ نماینده حاضر در جلسه ۲۳ خرداد تنها ۶۶ نفرشان به هژیر نظر تمایل ابراز کرده بودند.

## حکم محکمہ تجدید نظر ارتش

رادیو دولتی ایران دهم تیرماه ۱۳۴۵ حکم محکمه تجدید نظر اترش را در مورد شماری از مخالفان شاه که دستگیر بودند به صورت پخش و پخش از آنان به نام اسامیون چپگر داد. به گزارش رادیو، دو تن از محکوم شدگان دکتر کاظم اسامی و کرمانی دکتر حبیب‌الله پیمان بودند که هر کدام به سال‌وزنان محکومیت یافته بودند. رادیو اسامی و میزان اسامیون پنج تن دیگر را نیز اعلام داشت.

## زادروز بازی‌های المپیک

تاریخ ورزش و مسابقاته‌های ورزشی به ۳۲ قرن پیش باز می‌گردد، اما بازی‌های المپیک از یکم ژوئیه سال ۱۷۶۶ پیش از میلاد آغاز شد و به طور منظم تا سال ۳۹۳ میلادی که به فرمان «تئودوسیوس» امپراتور روم منسوخ شد، ادامه یافت.

## قتل بیستمین رئیس جمہوری آمریکا

چارلز گیتو وکیل قضایی ۴۱ ساله آمریکایی که در سپتامبر ۱۸۸۱ کارفیلد رئیس جمهوری وقت آمریکا را کتله زد و سی ام ژوئن ۱۸۸۲ به جرم ارتکاب این قتل به دار آویخته شد در طول مہرازات انتخاباتی از کتب و برای پیروز شدن او تبلیغات وسیع کرد، نفق، نقشه و حتی کلاه داشت که بود و انتظار داشت که در عرض دو روز فیلد به سمت سفارت برده

## مرگبارترین نیرو دتاریخ بشر

یکم ژوئیه ۱۹۱۶ء در جریان جنگ جهانی اول، نبرد سم با تعرض نیروهای انگلیسی به سنگرهای آلمان ها آغاز شد که در همان روز ۲۰ هزار نظامی انگلیسی به دست آلمانی ها کشته و ۴۰ هزار تن دیگر زخمی شدند. این نبرد تا نیمه نوامبر این ادامه یافت و ضمن آن تلفات فرانسه ۲۰۰ هزار، انگلستان ۴۲۰ هزار و آلمان ۴۶۵ هزار بود.

## قَابِ امْرُوزِ



صیادان در ساحل مکران، جنوب شرقی ایران / عکس از: مسعود شیخ ویسی

## سرایه

در چنین بادیه کاندیشه سرتوان کرد	دامن گل نبرد هر که ز خار اندیشد
بار خاطر طلبد هر که ز بار اندیشد	مهره حاصل نکند هر که ز مار اندیشد
آنکه شد بیخبر از زمزمه نغمه زیر	ز نیارد به کف آنکس که ز دریا ترسد
تو مپندار که از ناله زار اندیشد	نخورد باده هر آن کوز خممار اندیشد
گر تو صد سال کنی ناله و زاری خواجو	تو چه یاری که نداری غم و اندیشه یار
گل صد برگ کی از بانگ هزار اندیشد	یاری آنست که یار از غم یار اندیشد
خواجوی کرمانی	هر که سر در عقب یار سفر کرده نهاد
	ام: خیالست که دیگر ز دیار اندیشد

## چهل سال پیش در همین روز

مامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز یکشنبه ۱۰ تیر ماه ۱۳۵۸  
(برابر با ۶ شعبان ۱۳۹۹، اول ژوئیه ۱۹۷۹) نقل شده است.

## طباطبائی، معاون نخست وزیر شد

دکتر صادق طباطبائی، معاون سیاسی وزارت کشور، به عنوان معاون نخست وزیر، در امور انتقال برگزیده کشور، بیش از این، مهندس هاشم صباغیان که فعلا وزیر کشور است، این وظیفه را به عهده داشت.

خبر نگار ما می نویسد: دکتر صادق طباطبائی، که احتمالا از سه شنبه آینده (پس فردا) کار خود را آغاز خواهد کرد. وظیفه سختگویی دولت را که بیش از این به عهده عباس امیرانتظام بود را نیز انجام خواهد داد.

به دنبال اقبال امتیعی جلسه مشترک هیات دولت و شورای انقلاب تشکیل شد.

مهم شورای انقلاب و دولت

عصر دیروز با حضور امام خمینی، تشکیل شود، برگزار نشد. این جلسه که گفته می‌شد، از نظر محافل سیاسی و برنامه‌های آینده مملکت از حساسیت بسیار برخوردار بوده، ظاهر ایه دلایل امنیتی بعد موکول شد.

## گروگان گیری در فرودگاه مهر آباد

باند‌های پرواز فرودگاه مهر آباد، برج مراقبت، سالن‌ها و برخی از تأسیسات فرودگاه مهر آباد، از بعد از ظهر دیروز تا نیمه‌شب دیشب، در اشغال مردان مسلح بود و از پرواز چند هواپیما، جلوگیری شد. هواپیماهایی که در این مدت برنامه پرواز داشتند، با چند ساعت تأخیر، به مقصد ح‌ت‌ک‌ر دند.

ساعات ۱۱ و ۳۰ دقیقه صبح دیروز، محمد (فرزند آیت‌الله منتظری) به اتفاق دو تن از دوستان خود به نام‌های اصغر جمالی (دانشجو) و ابوحنیف (زمنده فلسطینی) به قصد خروج از کشور و رفتن به لندن، به اداره گذرنامه فرودگاه مهرآباد مراجعه کردند. مهلت اعتبار پاسپورت دانشجویی دو تن از آنان (منتظری و جمالی) سپری شده بود، از تجدید اعتبار آن‌ها دو داری شد.

این دو تن فرودگاه را ترک کردند، و ساعتی بعد، بر دیگر همراه ۱۲ مرد مسلح به فرودگاه بازگشتند و تقاضای اجازه خروج کردند. اما چون این بار نیز از خروج آنان جلوگیری شد، سید محمد منطری، به همراهان مسلح خود دستور داد تا از پرواز هوایمای پاکستانی، (پی.ای.ای.) که قرار بود با آن تهران را ترک کند، جلوگیری شود.

## مشخصات روزنامه‌ها باید جاب‌شود

خبرگزاری پارس - دادستان تهران امروز طی بخشنامه‌ای از کلیه جرائد پایتخت خواست که مشخصات مدیر و صاحب امتیاز و سردبیر و محل اداره و چاپخانه‌ی آن را در صفحات آن قید کنند.

متن این بخشنامه در دو ماده تنظیم شده است.

## انتخابات مجلس و ای قانون اساسی

هاشم صباغیان وزیر کشور صبح دیروز یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام کرد انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی در هفته اول مرداد ماه آینده انجام خواهد شد. وزیر کشور در مورد انتخابات شورایاهای محلی گفت: آئین نامه شورایاهای محلی در شورای انقلاب به تصویب رسیده و امید می رود در هفته آینده از سوی دولت به وزارت کشور ابلاغ شود.

به خود، دمالکین و، وستائیان و، به آن ۲ نف، گشته شدند

میران - در درگیری مسلحانه مالکان میران و روستائیان ۲ نفر از مالکین کشته شدند. چندی قبل حاج شایسی و عبدالله قادر مالکین روستای «خاقانه جوجو» میران به روستائیان مهلت دادند تا ضمن پس دادن زمین های خود، روستا را ترک کنند.

روستائیان به این دستور توجهی نکردند و در نتیجه عوامل مالکین با روستائیان درگیری پدیدار کردند طی آن حاج شاه ویسی و عبدالله قادر کشته و چند نفر دیگر مجروح شدند.

از موضوع عرسقب شدن اطلاع نداری

«صادق قطب‌زاده» سرپرست سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران در یک گفتگوی کوتاه تلفنی اعلام داشت که بزودی برنامه دوم رادیو و تلویزیون آغاز به کار خواهد کرد. در جواب این پرسش که آیا عیون یکی از چند چهره سرشناسی نیست که اخیراً انویاری شده از سوی دولت ایران به مقام سفارت منصوب خواهند شد؟، قطب‌زاده پاسخ داد: چون من چهره سرشناسی نیستم بنابراین این خبر را تکذیب می‌کنم و به هر حال تا این لحظه از موضوع سفیر شدن خود بی‌اطلاع هستم.

**انفحاً، مم، نحف آباد، ال؛ اند!**

نجف آباد- خبرنگار اطلاعات: بانفجار یک بمب ساعت شمار دیروز قسمت وسیعی از شهر نجف آباد بمبت چند ثانیه به لرزه درآمد.

بمب ساعت شمار که در یک جیب روباز در خیابان «یزدانه» نجف آباد کار گذاشته شده بود، منفجر شده و در راه وحشت انداخت.

## جدول شرح در متن

[illegible]

**سودو کو**

8		6		4		5		
	9					2		1
	4	1						
			1			4	5	
			6		9			
	7	9			4			
						7	2	
3		2					1	
		4		2		3		8

۷	۵	۶	۹	۱	۲	۳	۸	۴
۳	۸	۴	۷	۵	۶	۹	۱	۲
۹	۱	۲	۳	۸	۴	۷	۵	۶
۶	۷	۵	۲	۴	۹	۱	۳	۸
۱	۹	۳	۶	۷	۸	۲	۴	۵
۲	۴	۸	۵	۳	۱	۶	۷	۹
۸	۶	۷	۱	۲	۵	۴	۹	۳
۵	۳	۹	۴	۶	۷	۸	۲	۱
۴	۲	۱	۸	۹	۳	۵	۶	۷

حل ۲۴۹۸